

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۲۰

(ص ۷-۴۶)

ساختار داستانی رستم و زنون از شعر گاهانی تا روایت گورانی

آرش اکبری مفاخر*

چکیده

داستان رستم و زنون از شاهکارهای ناب ادب حماسی ایران به زبان گورانی است که نمونه‌ای در متون اوستایی، پهلوی، فارسی زردشتی، حماسه‌های ملی، روایت‌های گفتاری حماسی چاپ‌شده و متون نقالی ندارد. این داستان را می‌توان به دو بخش کلی «ماجرای رستم و زنون» و «ماجرای عظیم‌شاه» تقسیم کرد. از این داستان دستنویس‌ها و روایت‌های متفاوتی وجود دارد که عدم شناخت کاتبان و راویان از ساختار پیوسته داستان باعث شده تا دستنویس‌ها و روایت‌های آن در دو بخش مستقل از یکدیگر ارائه شوند. کامل‌ترین روایت از این داستان، در دستنویس هفت‌لشکر گورانی در ۲۷۲۲ بیت آمده‌است. این داستان از ساختاری بسیاری منسجم و دقیق برخوردار است. ساختار بیرونی داستان با چرخه پادشاهی طوس در توران‌زمین آغاز شده و با پادشاهی دوباره وی در توران‌زمین به پایان می‌رسد. ساختار درونی داستان نیز با آمدن و بازگشت افراسیاب، رستم و کیخسرو رویکرد تقارنی دوگانه دارد. کلیت داستان پس

از مقدمه با یک داستان آغازین شروع می‌شود. سپس دو داستان اصلی با یک داستان میان‌پیوند به هم متصل می‌شوند و در فرجام، داستان با یک پایانه داستانی به سرانجام می‌رسد. ساختار کلی داستان به صورت یک چرخه دایره‌ای و ساختار عمودی داستان به صورت مقدمه، داستان آغازین، داستان اصلی یکم، داستان میان‌پیوند، داستان اصلی دوم و پایانه داستانی همراه با سرودهای کوتاه، خرده‌داستان‌ها و روایت‌های فرعی دیگر در جای‌جای داستان، در ادب حماسی ایران بی‌نظیر است. در کل، ساختار بیرونی و درونی داستان از رویکردی تقارنی برخوردار است. این ساختار تقارنی را در نبردهای پهلوان‌محور، نیایش‌ها و کردارهای ترجیع‌بندی دوگانه، نبردهای تناوبی و ماریجی پهلوانان، رویکرد نمایشی تناوبی و دایره‌ای سخنان رستم و نیز در نبردهای شاه‌محور می‌توان دید که ظاهراً در ادب حماسی نمونه‌ای ندارد. کهن‌ترین و نادرترین نوع این کاربرد، ساختار ترکیب‌بندی قرینه‌ای گاهانی است؛ در هر سرود گاهانی، الگویی از هم‌مرکزگرایی بنیادی دیده می‌شود که در آن تمام بندهای سرود با توجه به بندهای میانی به صورت متقارن به هم پیوسته‌اند.

کلیدواژه‌ها: ساختار، ساختارشناسی، رستم و زنون، گاهان، گورانی

مقدمه

رستم و زنون^۱ از آثار بارزش و ناب ادب حماسی ایران‌زمین با بنیادهای اصیل اساطیری و ساختارهای حماسی ویژه به زبان گورانی^۲ است. در متون اوستایی، پهلوی، فارسی زردشتی، حماسه‌های ملی، روایت‌های گفتاری حماسی چاپ‌شده و متون ثقالی - در حد بررسی‌های نگارنده - از پهلوانی انیرانی به نام **زنون** و داستان وی سخنی به میان نیامده‌است.^۳ کامل‌ترین روایت از این داستان روایتی است منسوب به الفت که در منظومه هفت‌شکر

^۱ Zaniün

^۲ برای آگاهی از زبان و ادبیات گورانی، نک: اکبری مفاخر، ۱۳۹۸: ۲۸-۳۷.

^۳ برای آگاهی بیشتر، نک: هو، ۱۳۹۵: ۴/ ۵۰۱-۵۰۳.

گورانی به تاریخ ۱۳۴۹ق/۱۳۰۹ش کتابت «ملاعزیز ولد الفت از طایفه کهر» آمده است.^۱ احتمالاً این روایت، یک مادرروایت است که از روی نسخه‌های مادر رونویسی شده یا راوی از روی دستنویسی کهن‌تر خوانده و کاتب آن را نوشته است و دیگر روایت‌ها از همین مادرروایت اصلی سرچشمه گرفته‌اند. این منظومه با عنوان «داستان جنگنامه رستم و زنون» از برگ ۱۲۱ب تا برگ ۲۰۶ب هفت‌لشکر را در بر دارد؛ در ساختار مثنوی و وزن ده‌هجایی با یک تکیه در میان هجای پنجم و ششم و شامل ۲۷۲۲ بیت است. این داستان، در هفت‌لشکر گورانی الفت میان داستان‌های «رستم و برزو» و «جنگنامه هفت‌لشکر» آمده است و این در حالی است که در طومار ثقالی شاهنامه ۱۱۳۵ق، هفت‌لشکر فارسی ۱۲۹۲ق، طومار سعیدی-هاشمی، طومار کهن شاهنامه، طومار شاهنامه ثقالان به روایت زریری اصفهانی و همچنین رستم‌نامه‌های خطی و چاپی (نک: کتابنامه) پس از داستان «رستم و برزو»، داستان «هفت‌لشکر» آغاز می‌شود و اشاره‌ای به داستان «رستم و زنون» نیست. داستان «رستم و زنون» را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد: بخش نخست، رویارویی رستم با زنون است که با پیروزی رستم و مرگ زنون و با یک داستان میان‌پیوند^۲ به آغاز بخش دوم متصل می‌شود. بخش دوم، تاخت و تاز و کین‌خواهی بُهتون^۳ به ایران و نبرد وی با فرامرز و رویدادهایی دیگر از جمله نبرد رستم با تقارون دیو و عظیم‌شاه است.

از بخش نخست این داستان، رونوشتی در ۱۲۳۴ بیت در کتابخانه دانشگاه رازی کرمانشاه وجود دارد که آن را اسدالله صفری به تاریخ ۱۳۸۰ش همراه با چند داستان دیگر از روی دستنویس‌های پوسیده و کهن‌تر رونویسی کرده است.^۴ همچنین روایتی منسوب به الماس‌خان کندوله‌ای (زنده در ۱۱۸۰ق و درگذشته در حدود ۱۲۰۰ق، نک: سلطانی، ۱۳۶۴: ۱۰۲/۱-۱۰۰) در ۱۱۲۷ بیت موجود است که یزدان‌پناه آن را با توجه به دو دستنویسی که در اختیار داشته در سال ۱۳۸۴ش، همراه با مقدمه، ترجمه کلی و آوانگاری چاپ کرده است.

^۱ درباره این دستنویس، نک: اکبری مفاخر، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۷.

^۲ میان‌پیوند، اصطلاحی است که نگارنده برای یک داستان فرعی که در بین دو داستان اصلی قرار می‌گیرد و آن دو را به هم پیوند می‌دهد، به کار برده است.

^۳ Buhtiin

^۴ رستم و زنون و بیژن و منیژه، رونوشت اسدالله صفری، کتابخانه دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۸۰.

اگرچه این روایت به الماس‌خان کندوله‌ای منسوب است، اما زبان روایت، تازه‌تر از روایت منسوب به الفت است. روایت دیگری را نیز همزه‌ای (۱۳۹۳: بخش ۲، ۷۵/۱-۱۳۴) در ۱۱۶۸ بیت در ۱۳۹۳ ش به الفبای کردی همراه با ترجمه آزاد و خلاصه‌ای آزاد به چاپ رسانده‌است. چمن‌آرا (۱۳۹۰: ۱۳۷) نیز روایتی ۱۲۰۰ بیتی از این داستان معرفی کرده‌است. از بخش دوم، دستنویسی در ۴۴ برگ و در ۱۴۸۰ بیت به تاریخ کتابت ۱۲۸۸ ق در کتابخانه مجلس وجود دارد.^۱ این دستنویس در آغاز و میانه برگ‌ها افتادگی دارد و برخی از برگ‌های آن جابه‌جا شده‌اند. ابیات افزوده‌ای که سروده راوی است، در متن دیده می‌شود که معمولاً با پیکره اصلی ابیات پیوندی ندارد و نقش آتھا، توضیحی و توصیفی است. از منظر واژگانی، نویسه‌های ساده فراوانی نسبت به روایت الفت در آن دیده می‌شود و واژگان و صورت‌های فارسی نیز در آن به‌کار رفته‌است؛ بنابراین اگرچه نسبت به روایت الفت دارای تاریخ کهن‌تری است، اما از نظر فنی و اصالت متن و روایت در درجه پایین‌تری قرار دارد. روایت دیگری را نیز همزه‌ای (۱۳۹۳: بخش ۲، ۱۶۳/۱-۲۱۱) در ۹۶۱ بیت در ۱۳۹۳ ش به الفبای کردی، همراه با ترجمه آزاد و خلاصه‌ای آزاد به چاپ رسانده‌است.

گذشته از این روایت‌ها، دستنویس‌های دیگری نیز از این داستان (بخش نخست و دوم) موجود است. شریفی (۱۳۷۴: ۲۵۲-۲۵۸) مجموعه‌ای متعلق به ۱۳۲۷ ق با عنوان «کنیزک و یازده‌رزم» را که داستان رستم و زنون نیز در ضمن آن آمده، معرفی کرده‌است. لطفی‌نیا (۱۳۸۸: ۱۳۳-۱۳۶) این معرفی را در کتاب خود درباره حاسه‌های کردی آورده‌است. همچنین شریفی (۱۳۷۴: ۹۵۱-۹۵۲) به روایت دیگری از «کنیزک و یازده‌رزم» به تاریخ ۱۲۹۹-۱۳۰۶ ق اشاره کرده که احتمالاً داستان رستم و زنون هم در آن موجود باشد. این داستان در دستنویس «هفت‌لشکر رستم و زنون دیو»^۲ کتابخانه برلین آمده و احتمالاً در دو دستنویس «هفت‌لشکر»^۳ و «هفت‌رزم»^۴ این کتابخانه نیز موجود باشد (Fuad, 1970: Nr. 16, 43, 46).

حضور نام‌های ناشناخته‌ای چون **زنون**، **غورث**، **بهتون** و ...، در این داستان بسیار چشمگیر است که می‌تواند راهنمای ما به سرچشمه‌ای دیگر از ادب حاسی ایران باشد.

^۱ دستنویس مثنوی شاهنامه با لهجای ناشناس، کتابخانه مجلس، شم ۱۶۵۵۹.

^۲ Ms. or. oct. 1192.

^۳ Ms. or. oct. 1161.

^۴ Ms. or. oct. 1198.

رگه‌های یونانی داستان رستم و زنون

وجود دو نام یونانی شناخته‌شده برای دو شخصیت محوری در داستان اصلی یکم؛ یعنی **زنون** و **غورث**، به همراه تعدادی نام‌های دیگر که شاید یونانی باشند، بیانگر این نکته است که این حماسه در سپهر مکانی دیگری غیر از سپهر مکانی شاهنامه شکل گرفته و بازتابی از نبردهای ایرانیان با اقوامی غیر از اقوام شرقی ایران است؛ بنابراین داستان رستم و زنون می‌تواند در مناطق غربی ایران به وجود آمده و خاطراتی از نبردهای ایرانیان با یونانیان باشد. از روزگار داریوش یکم هخامنشی پیشروی‌های ایرانیان به سرزمین یونان آغاز شد. این روند که گاه با پیروزی و گاه شکست همراه بود، در روزگار کمبوجیه و خشایارشا ادامه یافت تا آنکه با قدرت‌گرفتن اسکندر مقدونی و ضعف داریوش سوم هخامنشی در ۳۳۱ پ.م یونانیان بر ایرانیان پیروز شدند و در پی آن پادشاهی هخامنشیان به پایان رسید و تسلط یونانیان بر ایران آغاز شد.

به هر روی، این نکته به خوبی روشن است که نبردهای گوناگونی میان سپاهیان یونانی و ایرانی درگرفته که گاه با پیروزی و گاه با شکست همراه بوده و سرانجام، این نبردها با شکست ایرانیان پایان یافته‌است. احتمالاً یکی از این نبردها میان سپاهی از یونان به فرماندهی شخصی به نام **غورث** و سرداری به نام **زنون**، با سپاهی از ایران به رهبری سرداری برجسته از هخامنشیان روی داده باشد. بدیهی است که مقاومت سردار هخامنشی در این نبرد به کشته شدن و شکست وی منجر شده، اما خاطرات آن در ذهن و یاد مردم باقی مانده و از طریق گوسان‌ها و قصه‌گوین روایت می‌شده‌است.

داستان زنون با سردار هخامنشی در گذر از دوران هخامنشی به اشکانی، و شهرت و محبوبیت رستم در میان مردم، جای خود را به رستم و به‌طورطبیعی، پیروزی یا شکست سردار هخامنشی نیز جای خود را به پیروزی نهایی رستم داده‌است، اما خاطرات تلخ ناشی از ناتوانی یا شکست سردار هخامنشی، همچنان در ناتوانی و درماندگی رستم در برابر زنون درون متن باقی مانده‌است. کلیت داستان یونانی- هخامنشی نیز در ساختار داستان‌های تورانی- ایرانی شخصیت‌های شناخته‌شدهٔ افراسیاب و پیران، در برابر کیخسرو و طوس روایت شده‌است. به نظر می‌رسد این روال در بخش دوم داستان که در آن با پهلوانانی احتمالاً دارای نام یونانی چون بهتون و تقارن روبه‌رو هستیم نیز مصداق دارد. خلاصهٔ دگرگونی نبرد رستم و

زنون را می‌توان در جدول زیر نشان داد:

جدول ۱: دگرگونی‌های احتمالی داستان رستم و زنون

دوران	سردار یونانی	سردار هخامنشی
هخامنشی	زنون	(؟)
اشکانی	زنون	رستم
پس از اسلام	زنون	رستم

خلاصه داستان رستم و زنون

بخش الف: داستان با پادشاهی طوس نوذر در مرز ایران و توران و تاخت‌وتاز افراسیاب آغاز می‌شود. **زنون** جادو به دستور افراسیاب به ایران می‌تازد و ایرانیان به سختی شکست می‌خورند. زال در دو خواب پیاپی از شکست ایرانیان آگاه می‌شود و زرعلی خبر این شکست را به **رستم** می‌رساند. طوس نیز پیکي به سوی کیخسرو می‌فرستد. رستم به‌سوی جیحون حرکت کرده و سپاه هراسیم دیو را سرنگون می‌کند. سپس با سپاه صد هزار نفری زنون رویارو می‌شود. رستم فیل زنون را کشته و او را سرنگون می‌کند، اما سپاهیان زنون هجوم آورده و او را نجات می‌دهند. رستم شبانه به‌طور ناشناس به چادر زنون رفته و او را در حال باده‌نوشی نظاره می‌کند. در آن هنگام پیران، رستم را برای زنون توصیف می‌کند و او از شنیدن نام رستم به هراس می‌افتد. روز بعد رستم که بدون رخس به نبرد با زنون پرداخته‌است، خسته شده و از نیروی جادویی وی به‌پناک می‌شود. زال، رخس را با خود به هامون برده و برای پیروزی رستم نیایش می‌کند. از آن‌سو، شخصی **ققاب‌پوش** به یاری رستم می‌آید و با زنون به مبارزه می‌پردازد. روز سوم، رستم سوار بر رخس به نبرد با زنون می‌پردازد. دو پهلوان پس از مدتی به کشتی گرفتن می‌پردازند، اما نیروی جادویی زنون بی‌اندازه است. رستم که در برابر وی هابند هامونی است در برابر کوه، در آستانه شکست قرار می‌گیرد. زال دیگر بار، همراه رخس به بیابان می‌رود؛ سر بر خاك می‌نهد و نیایش می‌کند. او در میان اشك و

ناله به خواب می‌رود. سام به خواب زال می‌آید و مژدهٔ پیروزی رستم و آمدن سپاه کیخسرو را به وی می‌دهد. کیخسرو از راه می‌رسد و با شنیدن خبر درماندگی رستم سر و پا برهنه به نیایش می‌پردازد تا اینکه ندایی از آسمان خبر پیروزی رستم را به او می‌دهد. رستم که با دیدن کیخسرو و سپاهش جانی تازه گرفته، با نام و یاد خدا زنون را بر زمین می‌کوبد و سر از تنش جدا می‌کند. او پیروزی خود را از نیایش و بخت و اقبال کیخسرو می‌داند. پس از شکست زنون افراسیاب به میدان می‌آید. کیخسرو برخلاف خواستهٔ زال به میدان می‌رود. افراسیاب در آستانهٔ شکست قرار دارد که ناگهان **غورث‌شاه** و سپاه دیوانش به میدان می‌آیند. رستم به مقابله با آنان می‌پردازد. رستم و کیخسرو شکست می‌خورند، اما ایرانیان با یاری **دو نقاب‌پوش**، سپاه غورث‌شاه را شکست می‌دهند. روز بعد ایرانیان از همان دو نقاب‌پوش به سختی شکست می‌خورند. رستم برای مبارزه با نقاب‌پوشان به میدان می‌رود، اما آن دو از نبرد با رستم سر باز می‌زنند. زال شبانه به چادر دو نقاب‌پوش رفته و **جهان‌دار و جهان‌بین** را که به ترتیب فرزندان سهراب و فرامرز هستند، می‌شناسد و آن دو به سپاه کیخسرو می‌پیوندند.

بخش ب: سپاه **غورث‌شاه** شکست می‌خورد و از راه دریا می‌گریزد. افراسیاب با **عظیم‌شاه** متحد شده و پهلوانی به نام **بِهتون** را با یکصد هزار نفر به نبرد با ایرانیان می‌فرستد. رستم با سپاهی گران به یاری ایرانیان آمده و آنان را آزاد می‌سازد. سرانجام بهتون به دست فرامرز گرفتار و کشته می‌شود. در این نبردها، **بازَیون** زنون نیز شرکت دارد. عظیم‌شاه، **تقارون دیو** را سوار بر فیل به میدان می‌فرستد. نبرد سختی میان او و رستم درمی‌گیرد. هر دو از فیل و اسب پیاده می‌شوند. رخس به نبرد با فیل می‌پردازد و فیل می‌گریزد. رستم که خسته و ناتوان شده، با نیایش کیخسرو پیروز می‌شود. سپیده‌دم روز بعد کیخسرو در جنگ زخمی می‌شود و زرعلی این خبر را به رستم می‌رساند. با یاری رستم و دیگر پهلوانان، سپاه نیرومند عظیم‌شاه شکست می‌خورد و می‌گریزد. عظیم‌شاه به دست رستم گرفتار می‌شود و او به دستور کیخسرو سر از تن وی جدا می‌کند. افراسیاب می‌گریزد و به **حجام** جادو در کوه بلور پناه می‌برد. طوس نیز دیگر باره پادشاه توران می‌شود.

ساختار داستانی جنگنامه رستم و زنون (بر پایه دستنویس آستان قدس رضوی و تصحیح نگارنده)

بخش الف

(۱) داستان آغازین

- ۱-۱-۱. مقدمه داستان: پادشاهی طوس در توران (ب ۱-۲۰) ← بند ۵-۲.
- ۲-۱-۱. آمدن پیک و آوردن خبر هجوم سپاه افراسیاب به فرماندهی زنون جادو (۲۱-۲۴) ← ۵-۳
- ۳-۱-۱. توصیف سپاهیان افراسیاب (۲۵-۵۵)
- ۴-۱-۱. آمادگی سپاه ایران (۵۶-۷۷)
- ۵-۱-۱. نامه نوشتن طوس برای کیخسرو (۷۸-۸۲)
- ۶-۱-۱. سپاه آراستن طوس به پیش‌قراولی زواره (۸۳-۱۰۱)
- ۷-۱-۱. نیایش زواره (۱۰۲-۱۱۲)
- ۸-۱-۱. رسیدن خبر آمادگی سپاه ایران به زنون و اردو زدن وی (۱۱۳-۱۴۲)
- ۹-۲-۱. نبردهای سه‌گانه زواره:
 - ۱-۲-۱. نبرد زواره و صمصام (۱۴۳-۱۸۶)
 - ۲-۱-۲-۱. توصیف کار و کردار سپاهیان ایران و توران (۱۸۷-۲۳۲)
 - ۲-۲-۱. نبرد زواره و قهار قهرین (۲۳۳-۲۵۶)
 - ۱-۲-۲-۱. توصیف کار و کردار سپاهیان ایران و توران (۲۵۷-۲۶۹)
 - ۳-۲-۱. نبرد زواره و سالوس (۲۷۰-۳۰۵)
- ۱-۳-۱. جنگ انبوه سپاه افراسیاب و طوس با یکدیگر، شکست و گریز ایرانیان (۳۰۶-۳۴۰)
- ۲-۳-۱. توصیف شب و آمدن روز (۳۴۱-۳۵۰)
- ۳-۳-۱. توصیف شکست سپاه ایران و عقب‌نشینی از جیحون (۳۵۱-۳۶۳)

(۲) داستان اصلی یکم (رستم و زنون)

- ۱-۱-۲. خواب دیدن زال (۳۶۴-۳۸۷)
- ۲-۱-۲. دستور زال برای آمدن رستم (۳۸۸-۴۰۰)

- ۳-۱-۲. دیدار زال و رستم (۴۰۱-۴۴۲)
- ۴-۱-۲. رفتن زال و رستم به میدان نبرد (۴۴۳-۴۵۷) ← ۳-۱۹؛ ۴-۵
- ۵-۱-۲. دیدار رستم و زرعلی (۴۵۸-۴۷۵)
- ۶-۱-۲. آمدن گیو از سوی کیخسرو (۴۷۶-۴۹۶)
- ۷-۱-۲. نامه نوشتن زال به کیخسرو و آگاه کردن وی از شکست (۴۹۷-۵۰۶)
- ۱-۲-۲. به راه افتادن سپاه رستم به سوی جیحون (۵۰۷-۵۱۸)
- ۲-۲-۲. توصیف شب و مجلس بزم سپاهیان رستم (۵۱۹-۵۲۴)
- ۳-۲-۲. توصیف سحر (۵۲۵-۵۳۰)
- ۴-۲-۲. نیایش راوی از زبان مؤذن (۵۳۱-۵۴۲)
- ۵-۲-۲. دیدار رستم با طوس و زواره (۵۴۳-۵۵۷)
- ۶-۲-۲. حرکت دوباره سپاه به سوی جیحون (۵۵۸-۵۶۸)
- ۱-۳-۲. نبرد سپاه هراسم با ایرانیان (۵۶۹-۵۸۵) ← ۴-۲-۵
- ۲-۳-۲. نبرد هومان با سام ثانی (۵۸۶-۶۱۶) ← ۴-۲-۴
- ۳-۳-۲. نبرد سام ثانی با قلون قطران (۶۱۵-۶۲۴) ← ۳-۲-۴
- ۴-۳-۲. رفتن زال به میدان نبرد (۶۲۴-۶۳۲)
- ۵-۳-۲. دیدار زال و رستم (۶۳۳-۶۵۴)
- ۶-۳-۲. رفتن رستم، زرعلی، زال و طوس به میدان نبرد (۶۵۵-۶۷۲) ← ۲-۴-۲
- ۱-۴-۲. آغاز رویارویی رستم و زَنون، نبرد تن به تن، سرنگونی زَنون و هجوم دیوان (۶۷۳-۶۸۹)
- ۲-۴-۲. توصیف نبرد زرعلی (۶۹۰-۶۹۲) ← ۶-۳-۲
- ۳-۴-۲. ادامه نبرد سام با قلون (۶۹۳-۶۹۸) ← ۳-۳-۲
- ۴-۴-۲. ادامه نبرد هومان و سام ثانی و رها شدن هومان از درخت (۶۹۹) ← ۲-۳-۲
- ۵-۴-۲. ادامه نبرد سپاه هراسم و ایرانیان و پیروزی سپاه هراسم (۷۰۰-۷۰۱) ← ۱-۳-۲
- ۶-۴-۲. نبرد سپاه ایران با سپاه غورث (۷۰۲-۷۰۸)
- ۷-۴-۲. توصیف شب، بزم باده، گفتگوی زال و رستم و طوس و دیگر پهلوانان (۷۰۹-۷۶۴)
- ۸-۴-۲. رفتن شبانه رستم و چند تن از پهلوانان به اردوگاه غورث و دیدن زَنون (۷۶۵-۸۵۱)

- ۹-۴-۲. آمادگی رستم و پهلوانان در برابر شبیخون زنون (۸۵۲-۸۷۳)
- ۱۰-۴-۲. شبیخون زنون و دیگر سرداران غورث به ایرانیان (۸۷۴-۸۸۸)
- ۱۱-۴-۲. نبرد پهلوانان ایران و توران با یکدیگر (۸۸۹-۹۱۱)
- ۱-۵-۲. رویارویی و نبرد رستم و زنون (۹۱۲-۹۲۱)
- ۲-۵-۲. ادامه نبرد پهلوانان ایران و توران با یکدیگر (۹۱۳-۹۲۴)
- ۳-۵-۲. پیروزی جهانگیر بر کلباد (۹۲۵)
- ۴-۵-۲. پیروزی فرامرز بر سام سیامک (۹۲۶-۹۲۹)
- ۵-۵-۲. نیایش زال برای پیروزی رستم بر زنون (۹۲۹-۹۳۵)
- ۶-۵-۲. نبرد طوس با افراسیاب و یاری زال و فرامرز به طوس (۹۳۶-۹۷۰)
- ۷-۵-۲. گرفتاری برزو به دست جادوان و آزادی وی به دست زرعلی و فرامرز (۹۷۱-۹۸۶)
- ۱-۶-۲. ادامه نبرد رستم و زنون (۹۸۷-۱۰۱۳)
- ۲-۶-۲. رفتن زال همراه با رخس به هامون و نیایش برای پیروزی رستم (۱۰۱۴-۱۰۲۷)
- ۳-۶-۲. گفتگوی زال و طوس درباره آمدن مرد نقابی به یاری رستم (۱۰۲۸-۱۰۳۹)
- ۴-۶-۲. گفتگوی زال و رستم درباره نقابی و پیشنهاد رستم برای فراخواندن او به مهمانی (۱۰۳۹-۱۰۶۱)
- ۵-۶-۲. پیشنهاد پیران به غورث برای به مهمانی فراخواندن نقابی (۱۰۶۲-۱۰۸۴)
- ۶-۶-۲. رفتن فرامرز به فرمان زال به نزد نقابی برای دعوت از وی (۱۰۸۵-۱۱۲۱)
- ۷-۶-۲. گفتگوی نقابی و زنون و پایان دادن به کارزار برای آسودن از نبرد (۱۱۲۲-۱۱۲۶)
- ۸-۶-۲. آمدن پیران از سوی غورث و دعوت از نقابی (۱۱۲۷-۱۱۴۵)
- ۹-۶-۲. آمدن نقابی به مهمانی طوس (۱۱۴۶-۱۱۵۷)
- ۱۰-۶-۲. گفتگوی رستم و نقابی درباره نژاد وی (۱۱۵۸-۱۱۸۶)
- ۱۱-۶-۲. گفتگوی پیران و غورث (۱۱۸۷-۱۱۹۸)
- ۱۲-۶-۲. توصیف شب و طلوع خورشید (۱۱۹۹-۱۲۰۷)
- ۱۳-۶-۲. نیایش سحرگاهی ایرانیان (۱۲۰۸-۱۲۱۷)
- ۱۴-۶-۲. آراستن سپاه از دو سو، رفتن رستم و زنون برای نبرد (۱۲۱۸-۱۲۳۸)
- ۱-۷-۲. نبرد پایانی رستم و زنون (۱۲۳۹-۱۲۵۲)

- ۲-۷-۲. نیایش زال برای پیروزی رستم (۱۲۵۳-۱۲۵۹)
- ۳-۷-۲. درماندگی رستم در نبرد با زنون (۱۲۶۰)
- ۴-۷-۲. پرسش زال از زمان آمدن کیخسرو (۱۲۶۱-۱۲۶۳)
- ۵-۷-۲. یاری خواستن زال از نقابی و مخالفت جهانگیر (۱۲۶۴-۱۲۷۶)
- ۶-۷-۲. رفتن زال همراه با رخس به هامون و نیایش برای پیروزی رستم (۱۲۷۷-۱۲۸۸)
- ۷-۷-۲. آمدن کیخسرو، آگاهی از اوضاع، شیون وی و ایرانیان برای رستم (۱۲۹۷-۱۲۸۹) ← ۲۱-۳؛ ۴-۵
- ۸-۷-۲. دیدار زال و کیخسرو (۱۲۹۸-۱۳۰۱)
- ۹-۷-۲. نیایش کیخسرو و سپاهیان برای پیروزی رستم (۱۳۰۲-۱۳۱۰)
- ۱۰-۷-۲. رفتن کیخسرو و پهلوانان ایران به میدان نبرد (۱۳۱۱-۱۳۲۲)
- ۱۱-۷-۲. پایان نبرد و کشته شدن زنون به دست رستم (۱۳۲۳-۱۳۲۹)
- ۱۲-۷-۲. شادی ایرانیان و گفتگوی رستم و کیخسرو (۱۳۳۰-۱۳۵۱)
- ۸-۲. نبرد کیخسرو با افراسیاب و گریختن افراسیاب (۱۳۵۲-۱۳۹۸)
- ۹-۲. پیروزی سپاه ایران بر سپاه غورث و شادمانی آنان (۱۳۹۹-۱۴۱۶)

۳) داستان‌وارهٔ میان‌پیوند (نبردهای دو نقابدار و پهلوانان ایرانی)

- ۱-۳. توصیف شب، بزم کیخسرو، طوس، زال و پهلوانان ایران (۱۴۱۷-۱۴۳۵)
- ۲-۳. توصیف بزم مغربی (۱۴۳۶-۱۴۳۹)
- ۳-۳. طلوع خورشید و آمدن مبارزی از سوی دو نقابی (۱۴۴۰-۱۴۴۲)
- ۴-۳. گفتگوی کیخسرو و زال و فرستادن برزو به میدان (۱۴۴۳-۱۴۴۴)
- ۵-۳. گفتگوی جهان‌دار و جهان‌بین (دو نقابی) و آمدن جهان‌دار به میدان نبرد (۱۴۴۵-۱۴۵۰)
- ۶-۳. نبرد جهان‌دار نقابی با برزو و گرفتار شدن برزو (۱۴۵۱-۱۴۷۳)
- ۷-۳. رفتن جهان‌بخش برای نبرد با جهان‌دار و ناتوانی وی (۱۴۷۳-۱۴۷۵)
- ۸-۳. رفتن فرامرز به یاری جهان‌بخش و گرفتار شدن وی (۱۴۷۶-۱۴۸۶)
- ۹-۳. رفتن جهان‌گیر به جنگ جهان‌دار و گرفتار شدن او (۱۴۸۷-۱۴۹۴)
- ۱۰-۳. رفتن سام‌یل به میدان و گرفتار شدن او به دست جهان‌بین (۱۴۹۵)

- ۱۱-۳. رفتن گیو برای نبرد با جهان‌دار و گرفتار شدن او (۱۴۹۶-۱۵۰۱)
- ۱۲-۳. رفتن رستم برای نبرد و نیامدن دو نقابی به میدان (۱۵۰۲-۱۵۱۹)
- ۱۳-۳. بازگشت رستم، برپایی بزم، توصیف برآمدن خورشید (۱۵۲۰-۱۵۲۷)
- ۱۴-۳. آمدن جهان‌دار و جهان‌بین به میدان و رویارویی طوس و گرگین با آنان (۱۵۲۸-۱۵۵۰)
- ۱۵-۳. بازگشت طوس، برپایی بزم، گفتگوی رستم و کیخسرو (۱۵۵۱-۱۵۷۲)
- ۱۶-۳. رفتن رستم به میدان، رویارو نشدن دو نقابی با وی، بازگشت رستم (۱۵۷۳-۱۶۰۰)
- ۱۷-۳. برپایی بزم، رفتن زال به چادر دو نقابی به‌طور پنهانی و شناختن آنان (۱۶۰۱-۱۶۱۹)
- ۱۸-۳. رفتن کیخسرو و رستم به چادر دو نقابی و پیوستن آنان به سپاه ایران (۱۶۲۴-۱۶۲۰)
- ۱۹-۳. شادی سپاه، دستور کیخسرو به زال و رستم برای بازگشت به ایران (۱۶۲۶-۱۶۲۸) ← ۱-۲-۲
- ۲۰-۳. سرهنگی فرامرز در توران (۱۶۲۹-۱۶۳۰)
- ۲۱-۳. بازگشت کیخسرو به ایران، شادمانی بیژن و شیران ایران برای پیروزی (۱۶۳۱-۱۶۳۲) ← ۷-۷-۲

بخش ب

۴) داستان اصلی دوم (داستان عظیم‌شاه)

- ۱-۱-۴. شکست سپاه غورث و بازگشت از دریا (= جیحون) (۱۶۳۲-۱۶۳۵)
- ۲-۱-۴. آمدن عظیم‌شاه به یاری افراسیاب (۱۶۳۶-۱۶۴۲) ← ۳-۵
- ۳-۱-۴. پرسش عظیم‌شاه از پیران درباره کیخسرو، رستم و ماجرای زنون (۱۶۴۳-۱۶۶۱)
- ۴-۱-۴. پاسخ پیران و معرفی کیخسرو، رستم و دیگر پهلوانان، بازگویی ماجرای زنون (۱۶۶۲-۱۶۸۴)
- ۱-۲-۴. فراخواندن بهتون از سوی عظیم‌شاه برای نبرد با ایرانیان (۱۶۸۵-۱۶۸۸)
- ۲-۲-۴. حرکت سپاه بهتون و اردو زدن در سرقان (۱۶۸۹-۱۷۰۰)
- ۳-۲-۴. آگاهی فرامرز از آمدن سپاه بهتون (۱۷۰۱-۱۷۰۹)
- ۴-۲-۴. آمدن بیژن با نامه باج‌خواهی فرامرز به سرایده بهتون (۱۷۱۰-۱۷۵۷)
- ۵-۲-۴. بازگشت بیژن و توصیف سپاه بهتون برای فرامرز، برپایی بزم (۱۷۵۸-۱۷۷۵)

- ۶-۲-۴. رفتن شبانه یاران فرامرز به سپاه بهتون (۱۷۷۶-۱۷۸۴)
- ۷-۲-۴. گرفتاری دَه تن ایرانی به دست قرطوس و گریختن بنارش (۱۷۸۵-۱۸۰۲)
- ۸-۲-۴. نبرد فرامرز با قرطوس، گرفتار کردن وی و آزاد کردن یاران (۱۸۰۳-۱۸۱۹)
- ۹-۲-۴. رفتن فرامرز به چادر بهتون و درگیری وی با جادوگر و مقرون (۱۸۴۵-۱۸۲۰)
- ۱۰-۲-۴. نبرد شبانه سپاه بهتون با سپاه فرامرز، پیروزی ایرانیان (۱۸۴۶-۱۸۶۶)
- ۱۱-۲-۴. رسیدن خبر پیروزی فرامرز به کیخسرو، زال و رستم (۱۸۶۷-۱۸۷۹)
- ۱۲-۲-۴. آمدن بیژن به ایران و آوردن اسیران از جمله مقرون و قرطوس (۱۸۸۰-۱۸۸۶)
- ۱-۳-۴. رفتن برزو با سپاهی انبوه به فرمان کیخسرو برای نبرد با بهتون (۱۹۲۳-۱۸۸۷)
- ۲-۳-۴. آمدن سپاه بهتون برای نبرد با سپاه فرامرز (۱۹۲۴-۱۹۳۲)
- ۳-۳-۴. نبرد فرامرز با دواس و پیروزی فرامرز (۱۹۳۳-۱۹۶۲)
- ۴-۳-۴. رسیدن سپاه برزو به نزد فرامرز (۱۹۶۳-۱۹۷۳)
- ۵-۳-۴. نامه بهتون به عظیم‌شاه (۱۹۷۴-۱۹۸۴)
- ۱-۴-۴. آمدن یک ترک به فرمان عظیم‌شاه برای یاری بهتون (۱۹۸۵-۱۹۹۹)
- ۲-۴-۴. نبرد ترک با برزو (۲۰۰۰-۲۰۱۲) ← ۴-۴-۴؛ ۷-۴-۴
- ۳-۴-۴. نبرد بهتون با فرامرز (۲۰۱۳-۲۰۳۰) ← ۵-۴-۴؛ ۸-۴-۴
- ۴-۴-۴. ادامه نبرد ترک با برزو (۲۰۳۱) ← ۲-۴-۴
- ۵-۴-۴. ادامه نبرد بهتون با فرامرز (۲۰۳۲) ← ۳-۴-۴
- ۶-۴-۴. جنگ انبوه دو سپاه با یکدیگر (۲۰۳۳-۲۰۳۴)
- ۱-۷-۴-۴. ادامه نبرد فرامرز با بهتون (۲۰۳۵ یکم)
- ۲-۷-۴-۴. ادامه نبرد برزو با ترک (۲۰۳۵ دوم)
- ۸-۴-۴. گرفتارشدن برزو در کمند جادوگران (۲۰۳۶-۲۰۴۵) ← ۲-۴-۴؛ ۴-۴-۴
- ۹-۴-۴. ادامه نبرد فرامرز با بهتون و اسیر شدن بهتون (۲۰۴۶-۲۰۵۷) ← ۳-۴-۴؛ ۶-۴-۴
- ۱۰-۴-۴. آمدن ترک به یاری سپاه بهتون و نبرد او با فرامرز (۲۰۵۸-۲۰۶۰)
- ۱۱-۴-۴. آمدن جهان‌دار به یاری فرامرز (۲۰۶۱-۲۰۶۶)

- ۴-۱۲. ادامه نبرد فرامرز با ترک (۲۰۶۷-۲۰۶۹)
- ۴-۱۳. واگذاری نبرد با ترک از سوی فرامرز به جهان‌دار (۲۰۷۰-۲۰۷۲)
- ۴-۱۴. آگاهی فرامرز از گرفتار شدن برزو، نیایش فرامرز (۲۰۷۳-۲۰۹۲)
- ۴-۱۵. ادامه نبرد جهان‌دار با ترک و پیروزی جهان‌دار (۲۰۹۳-۲۰۹۹)
- ۴-۵. نبرد کاهول با جهان‌دار و پیروزی جهان‌دار (۲۱۰۰-۲۱۳۰)
- ۴-۱۶. نبرد بازون با فرامرز (۲۱۳۲-۲۱۴۱)
- ۴-۲. نبرد جهان‌دار با زوباد و گرفتار شدن زوباد (۲۱۴۲-۲۱۶۶)
- ۴-۳. گرفتار کردن فرامرز از سوی بازون و بردن وی به چادر شاه (۲۱۶۷-۲۱۷۰)
- ۴-۴. آگاهی عظیم‌شاه از گرفتاری زوباد (۲۱۹۸-۲۲۰۲)
- ۴-۵. هجوم عظیم‌شاه و سپاهیان به ایرانیان (۲۲۰۳-۲۲۱۹)
- ۴-۶. نبرد بازون با جهان‌دار و پیروزی جهان‌دار (۲۲۲۰-۲۲۳۸)
- ۴-۷. آمدن طوس به یاری جهان‌دار و شکست سپاه دشمن (۲۲۳۹-۲۲۵۱)
- ۴-۸. فرستادن زوباد همراه با پیک به نزد کیخسرو از سوی جهان‌دار (۲۲۵۲-۲۲۵۵)
- ۴-۹. کشته شدن زوباد به دست سام یل (۲۲۵۶-۲۲۵۷)
- ۴-۱۷. آمدن رستم، کیخسرو و سپاهیان و اردو زدن در میدان نبرد (۲۲۵۸-۲۲۸۰)
- ← ۴-۵
- ۴-۲۷. معرفی خیمه‌ها و درفش‌های ایرانیان به دست پیران به عظیم‌شاه (۲۲۸۱-۲۳۱۲)
- ۴-۳۷. رفتن رستم و پهلوانان ایران به میدان نبرد (۲۳۱۳-۲۳۳۴)
- ۴-۸۰. نبرد رستم با تقارون دیو (۲۳۳۵-۲۳۹۹)
- ۴-۸۱. پرسش عظیم‌شاه از پیران درباره پهلوان اژدهادرفش (۲۳۳۵-۲۳۴۰)
- ۴-۸۲. معرفی رستم به عظیم‌شاه توسط پیران (۲۳۴۰-۲۳۴۵)
- ۴-۸۳. آمدن تقارون دیو به میدان به فرمان عظیم‌شاه (۲۳۴۶-۲۳۵۱)
- ۴-۸۴. مبارزه تن‌به‌تن و کشتی گرفتن رستم و تقارون دیو (۲۳۵۲-۲۳۶۹)
- ۴-۸۵. مبارزه رخش رستم و فیل تقارون (۲۳۷۰-۲۳۷۴)
- ۴-۸۶. ادامه کشتی رستم با تقارون و واگویی‌های درونی آنان (۲۳۷۵-۲۳۸۲)
- ۴-۸۷. نیایش کیخسرو و زال برای پیروزی رستم (۲۳۸۳-۲۳۸۸)

- ۸-۸-۴. پیروزی رستم بر تقارون و بریدن سر وی، برپایی بزم شبانه (۲۳۸۹-۲۴۰۰)
- ۹-۹-۴.۰. نبردهای تن به تن پهلوانان (۲۴۰۱-۲۶۱۲)
- ۹-۹-۴.۱. گفتگوی عظیم‌شاه و پیران (۲۴۰۱-۲۴۰۴)
- ۹-۹-۴.۲. رجزخوانی بهرمان برای نبرد با جهان‌دار (۲۴۰۵-۲۴۰۶) ← ۹-۹-۴
- ۹-۹-۴.۳. رجزخوانی عادی برای نبرد با جهان‌بین (۲۴۰۷-۲۴۱۰) ← ۹-۹-۴
- ۹-۹-۴.۴. رجزخوانی پیل‌گوش برای نبرد با طوس (۲۴۱۱-۲۴۱۳) ← ۹-۹-۴
- ۹-۹-۴.۵. رجزخوانی گزدهم برای نبرد با زال (۲۴۱۴-۲۴۱۶) ← ۹-۹-۴
- ۹-۹-۴.۶. رجزخوانی جواد زنگی برای نبرد با گیو (۲۴۱۷) ← ۹-۹-۴
- ۹-۹-۴.۷. رجزخوانی اشقاد دیو برای نبرد با میلاد (۲۴۱۸ یکم)
- ۹-۹-۴.۸. رجزخوانی اورنگ برای نبرد با سام (۲۴۱۸ دوم)
- ۹-۹-۴.۹. توصیف سحر و سپاه ایران (۲۴۱۹-۲۴۲۴)
- ۹-۹-۴.۱۰. نبرد چهارم با پیلتن (۲۴۲۵) ← ۹-۹-۴
- ۹-۹-۴.۱۱. گزارش کلی نبردها (۲۴۲۶)
- ۹-۹-۴.۱۲. نبرد کیخسرو با سپاه عظیم‌شاه (۲۴۲۷) ← ۹-۹-۴
- ۹-۹-۴.۱۳. توصیف میدان کارزار (۲۴۲۸-۲۴۳۰)
- ۹-۹-۴.۱۴. ادامه نبرد چهارم با پیلتن (۲۴۳۱-۲۴۳۲) ← ۹-۹-۴
- ۹-۹-۴.۱۵. ادامه نبرد کیخسرو، زخمی شدن وی و یاری رستم به او (۲۴۳۳-۲۴۶۰) ←
- ۹-۹-۴.۱۶. نبرد جهان‌دار و زرعلی با بهرمان (۲۴۶۱-۲۴۷۵)
- ۹-۹-۴.۱۷. نبرد پیل‌گوش با طوس و یاری جهان‌دار به وی (۲۴۷۶-۲۵۰۲) ← ۹-۹-۴
- ۹-۹-۴.۱۸. نبرد گزدهم با زال و یاری جهان‌دار به وی (۲۵۰۳-۲۵۱۴) ← ۹-۹-۴
- ۹-۹-۴.۱۹. نبرد جواد زنگی با گیو و یاری جهان‌دار به وی (۲۵۱۵-۲۵۲۶) ← ۹-۹-۴
- ۹-۹-۴.۲۰. نبرد رستم با سپاه عظیم‌شاه، ناتوانی رستم و یاری جهان‌دار به وی (۲۵۲۷-۲۵۴۶)
- ۹-۹-۴.۲۱. رفتن کیخسرو به کارزار (۲۵۴۷-۲۵۵۱)
- ۹-۹-۴.۲۲. نبرد جهان‌بین با عاد (۲۵۵۲-۲۵۵۴) ← ۹-۹-۴

- ۴-۹-۲۳. پیروزی ایرانیان، توصیف شب و برپایی بزم شبانه (۲۵۵۵-۲۵۶۵)
- ۴-۹-۲۴. رفتن رستم با راهنایی مقرون به زندان فرامرز و برزو و آزاد کردن آنان (۲۵۶۶-۲۶۱۴)
- ۴-۱۰-۱. آغاز نبرد انبوه سپاه ایران با سپاه عظیم‌شاه (۲۶۱۵-۲۶۴۵)
- ۴-۱۰-۲. نبرد قاموس با رستم و ناتوانی رستم (۲۶۴۶-۲۶۷۱)
- ۴-۱۰-۳. آمدن جهان‌دار به یاری رستم و کشتن قاموس (۲۶۷۲-۲۶۷۶)
- ۴-۱۰-۴. ادامه نبرد انبوه، شکست خوردن و گریختن ایرانیان (۲۶۷۷-۲۶۸۱)
- ۴-۱۰-۵. دیدار رستم و کیخسرو (۲۶۸۲-۲۶۸۵)
- ۴-۱۰-۶. ادامه نبرد انبوه، هجوم ایرانیان به سوی درفش عظیم‌شاه (۲۶۸۶-۲۶۹۶)
- ۴-۱۰-۷. نبرد رستم با عظیم‌شاه، گرفتار کردن و بریدن سر وی (۲۶۹۷-۲۷۰۷)

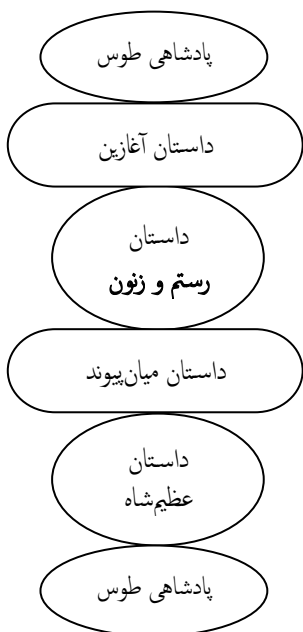
۵) پایانه داستان

- ۵-۱. پادشاهی مقرون در سرزمین عظیم‌شاه (۲۷۰۸-۲۷۱۰)
- ۵-۲. پادشاهی دوباره طوس در توران (۲۷۱۱) ← ۱-۱-۱
- ۵-۳. گریختن افراسیاب (۲۷۱۳-۲۷۱۱) ← ۲-۱-۴؛ ۲-۱-۱
- ۵-۴. بازگشت کیخسرو (و رستم) به ایران (۲۷۱۳-۲۷۱۹) ← ۱-۷-۷؛ ۱-۷-۲؛ ۲-۲-۱
- ۵-۵. سخن پایانی شاعر/ راوی (۲۷۲۰-۲۷۲۲)

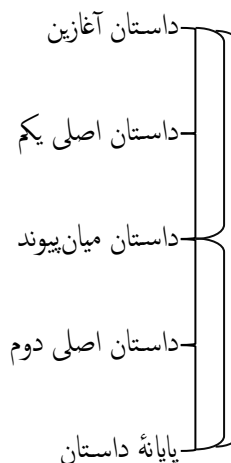
بررسی و ارزیابی ساختار داستانی رستم و زنون

ساختار داستانی جنگنامه رستم و زنون ساختاری بسیار منسجم و دقیق است. کلیت داستان بر مبنای چرخه‌ای تنظیم شده که با پادشاهی طوس در کرانه‌های مرزی توران آغاز می‌شود و با پادشاهی دوباره طوس بر توران به پایان می‌رسد. در میان این آغاز و انجام، یک داستان آغازین و دو داستان اصلی به نام‌های «رستم و زنون» و «عظیم‌شاه» وجود دارد که با یک داستان کوتاه - که می‌توان آن را «داستان‌واره میان‌پیوند» نامید - با یکدیگر در پیوند هستند. کلیت داستان نیز با یک پایانه داستانی که فرجام آن را به کوتاهی بازگو می‌کند، به پایان می‌رسد؛ بنابراین ساختار داستانی رستم و زنون را می‌توان به پنج بخش تقسیم کرد:

نمودار ۲: ساختار ترکیبی داستان رستم و زَنون



نمودار ۱: ساختار کلی داستان رستم و زَنون



ساختار کلی داستان به صورت یک چرخه، و ساختار عمودی آن به صورت دو داستان فرعی، دو داستان اصلی و یک پایانه داستانی در ادب حماسی ایران مگ کاربرد است. این ساختار کلی را می توان به دو بخش مستقل تقسیم کرد، اما در این صورت، بنیاد چرخه ای داستان مفهوم خود را از دست می دهد؛ زیرا در برخی روایت ها و دستنویس ها، این داستان به دو داستان «رستم و زَنون» و «عظیم شاه» تقسیم و هریک در چهارچوب داستانی مستقل روایت و کتابت شده است.

نمودار ۳: ساختار کلی تقارنی بیرونی داستان

پادشاهی طوس در توران

آمدن افراسیاب

آمدن رستم

آمدن کیخسرو

گریختن افراسیاب

بازگشت کیخسرو

بازگشت رستم

آمدن افراسیاب

آمدن رستم و کیخسرو

گریختن افراسیاب

بازگشت رستم و کیخسرو

پادشاهی طوس

نمودار ۴: ساختار کلی تقارنی درونی داستان

پادشاهی طوس در توران

آمدن افراسیاب

آمدن رستم

آمدن کیخسرو

گریختن افراسیاب

بازگشت کیخسرو

بازگشت رستم

آمدن افراسیاب

آمدن رستم و کیخسرو

گریختن افراسیاب

بازگشت رستم و کیخسرو

پادشاهی طوس

ساختار کلی و چرخه‌وار این داستان یادآور داستان کاموس کشانی در شاهنامه است. اگرچه داستان کاموس از بافت یکپارچه‌ای برخوردار نبوده و شامل تکه‌های به هم دوخته‌ای از نبردهای ایران و توران به کین‌خواهی سیاوش است و بیشتر رویدادها را نبردهای تن به تن رستم با پهلوانان دشمن چون اشکبوس، کاموس، چنگش، خاقان و پولادوند می‌سازند که کالبد داستانی نیز ندارند (خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۸۰/۲)، اما داستان از کلیتی یکپارچه برخوردار است که با رفتن طوس به توران زمین آغاز شده و با بازگشت وی به ایران پایان می‌یابد. این تقارن درباره آمدن و گریختن افراسیاب و نیز رفتن رستم به نبرد و بازگشت وی مصداق دارد،

اما کاتبان بدون توجّه به این ساختار کلی، داستان را به دو نیمهٔ کلی و نیز دو داستان مستقل «کاموس کشانی» و «خاقان چین» تقسیم و برای داستان خاقان چین، خطبه‌ای نیز فراهم کرده‌اند (همان: ۵۷/۲)، اما فردوسی با آگاهی کامل و دقیق از این کلیت داستانی، در پایان داستان فرود به آغاز داستان کاموس اشاره می‌کند:

به پای آمد این داستان فرود کنون رزم کاموس باید سرود
(فردوسی: ۱۳۸۶: ۳/۱۰۲/۱۲۴۵)

و در انتهای کلیت داستان از پایان آن سخن می‌گوید:

سر آوردم این رزم کاموس نیز درازست و نگشاد ازو یک پیشیز
(همان: ۲۸۵/۳/۲۸۷۹)

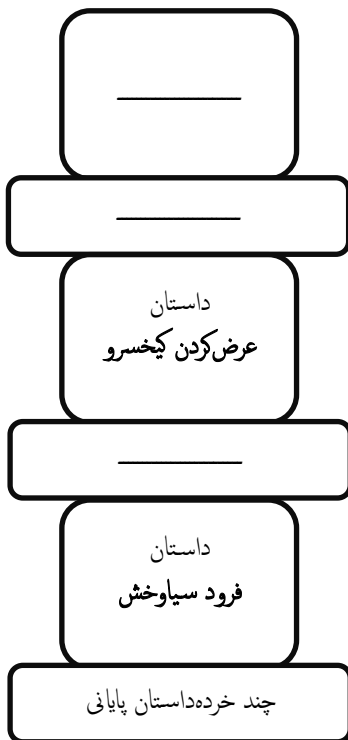
از سوی دیگر کلیت داستان‌های عرض کردن کیخسرو و فرود سیاوخش روی هم می‌تواند بخش یکم داستان زنون یعنی داستان آغازین و داستان اصلی یکم را در بر داشته باشد. اگرچه داستان عرض کردن کیخسرو و داستان فرود با یک خطبه از یکدیگر جدا شده و دو داستان به شمار آمده‌اند، اما فرمان‌هایی که در آغاز داستان عرض کردن از سوی کیخسرو مطرح می‌شود، در پایان داستان فرود توسط پهلوانان انجام می‌پذیرد؛ بنابراین این دو داستان در اصل یک داستان پیوسته شامل یک داستان آغازین، یک داستان اصلی و چند خرده‌داستان پایان‌پیوست بوده‌اند.

جدول ۲: بررسی تطبیقی فرمان‌های کیخسرو و انجام آنها در داستان‌های عرض کردن کیخسرو و فرود سیاوخش

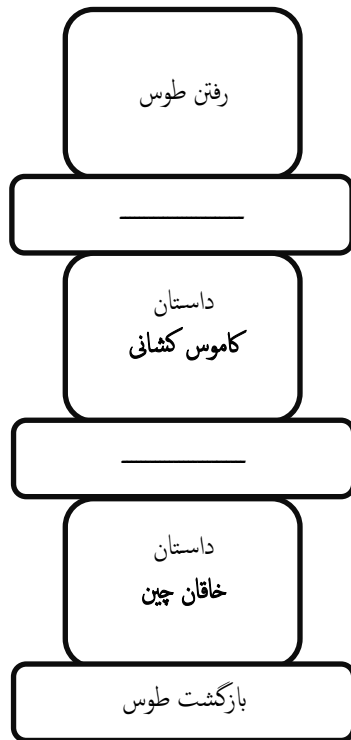
داستان عرض کردن کیخسرو		داستان فرود سیاوخش
فرمان کیخسرو	پهلوان داوطلب	به انجام رسیدن فرمان کیخسرو
نبرد با بلاشان، ب ۱۷۴-۱۸۱	بیژن	ب ۵۲۴-۵۷۵
ربودن تاج تژاو، ب ۱۸۲-۱۸۹	بیژن	ب ۶۴۶-۶۸۹
ربودن اسپنوی، ب ۱۹۰-۲۰۲	بیژن	ب ۶۹۰-۷۰۷
نبرد با تژاو، ب ۲۰۳-۲۱۲	گیو	ب ۱۱۶۱-۱۱۹۱
آتش زدن کاسه‌رود، ب ۲۱۳-۲۲۵	گیو	ب ۶۰۲-۶۲۰
پیام‌رسانی به افراسیاب، ب ۲۲۶-۲۳۵	گرگین	_____

همچنین با دقت در ساختار کلماتی این دو داستان می‌توان دریافت که داستان اصلی شامل عرض کردن کیخسرو و رویدادهای پس از مرگ فرود بوده و داستان فرود به عنوان یک داستان میان‌پیوست در دل داستان اصلی جایگزین شده‌است. حال اگر داستان فرود از این میان حذف شود، روند داستان و توالی رویدادها منطقی شده و پیوند استواری میان داستان عرض کردن کیخسرو و خرده‌داستان‌های پس از مرگ فرود - که در داستان عرض کردن کیخسرو از آنها یاد شده - برقرار می‌شود.

نمودار ۶: ساختار ترکیبی داستان عرض کردن کیخسرو و داستان فرود در مقایسه با ساختار داستان رستم و زنون



نمودار ۵: ساختار ترکیبی داستان خاقان چین در مقایسه با ساختار داستان رستم و زنون



۱) داستان آغازین

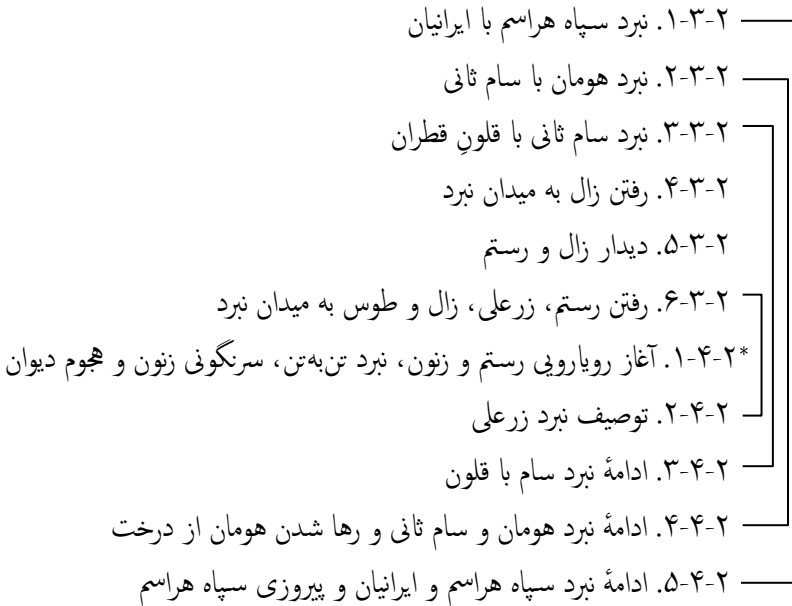
داستانی که در حکم یک پیش‌داستان است و زمینه را برای ورود به داستان اصلی یکم فراهم

می‌کند. این داستان یک مقدمه دارد که حلقه آغازین داستان در آن بیان شده و به حلقه پایانی آن پیوند می‌خورد. در داستان آغازین، هجوم سپاه افراسیاب به فرماندهی زنون جادو به ایران توصیف می‌شود که خواننده در آن با شخصیت جدیدی به نام زنون آشنا می‌شود. پس از معرفی این پهلوان زمینه حضور رستم فراهم می‌شود. روال داستان به گونه‌ای است که خواننده به خوبی نبود رستم و نقش و جایگاه وی در نبردهای ایرانیان را احساس می‌کند؛ اگرچه نبود وی فرصتی مناسب برای زواره است تا پهلوانی‌های خود را به نمایش بگذارد. نبردهای سه‌گانه زواره بسیار شورانگیز و حماسی است. او در این نبردها سه تن از پهلوانان تورانی را می‌کشد، اما در پایان با شکست سنگین ایرانیان و عقب‌نشینی آنان از جیحون، دشمن وارد مرز ایران می‌شود.

۲) داستان اصلی یکم (رستم و زنون)

این بخش مهم‌ترین بخش کلیت داستانی و یکی از شاهکارهای ادب حماسی ایران است. داستان با خواب زال آغاز می‌شود. زال که در خواب زواره و طوس را در گرفتاری و سختی می‌بیند، شتابان رستم را فرامی‌خواند و پس از سرزنش بسیار او را برای یاری طوس و زواره به سوی جیحون می‌فرستد. شاعر در این بخش از داستان به توصیف نبردهای پهلوانان در ساختاری نظام‌مند و هم‌مرکز با مرکزیت نبرد جهان‌پهلوان می‌پردازد، به گونه‌ای که شاعر پس از توصیف نبرد سپاهیان و نبرد تن‌به‌تن پهلوانان، از رویارویی رستم و زنون سخن می‌گوید که در آن زنون سرنگون شده و می‌گریزد. شاعر با مهارتی شگفت، بار دیگر با ترتیبی معکوس به توصیف ادامه نبردهای تن‌به‌تن پهلوانان می‌پردازد. آخرین مطلب توصیف نبرد انبوه سپاهیان است که در واقع اولین مطلب بوده‌است. شاعر هنگامی که به نبرد اصلی - یعنی نبردی که در مرکز قرار دارد - می‌رسد، با روال معکوس کار خود را پی گرفته و همزمان با روایت داستانی خود در ساخت عمودی از ساختار متقارن بهره می‌گیرد. این ساختار که به صورت گسترده‌تری در بخش چهارم نیز آمده، در ادب حماسی ایران کم‌نظیر است.

نمودار ۷: ساختار تقارنی نبردهای پهلوان‌محور



در داستان رستم و زنون، شاعر گورانی‌زبان که استادی ویژه‌ای در بهره‌گیری از ساختار هم‌مرکز متقارن دارد، در بخش چهارم به‌خوبی از این مهارت استفاده می‌کند. وی پس از توصیف نبرد تن‌به‌تن پهلوانان با محوریت نبرد رستم و زنون، به توصیف نبرد انبوه دو سپاه در ساختار متقارن می‌پردازد و با توصیف شب وارد بخش دیگری از داستان می‌شود که رویدادی تکرارشونده در حماسه‌های ایرانی است؛ یعنی رفتن شبانه پهلوان به اردوگاه دشمن و دیدن پهلوان دشمن به‌طور پنهانی. در این دیدار رستم از نقشه شیبخون دشمن آگاه شده و به سپاه ایران بازمی‌گردد. شب‌هنگام زنون همراه با پهلوانان غورث‌شاه به ایران شیبخون می‌زند. در این نبرد پهلوانان دو لشکر در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند که مهم‌ترین آنها نبرد تن‌به‌تن رستم و زنون است. زنون پهلوانی بسیار نیرومند است و رویارویی با وی برای رستم مشکل! وی بارها تا مرز پیروزی بر رستم پیش می‌رود. پس از هر نبرد از نیایش زال برای پیروزی رستم سخن به میان می‌آید و به‌صورت ترجیعی دوگانه چهار بار تکرار می‌شود که با نیایش کیخسرو و نبرد رستم در پایان داستان در مجموع ترجیع نبرد و نیایش پنج بار با ساخت متناظر ۱+۴ و با محوریت دیدار نیایشگران تکرار می‌شود و در میانه هر تکرار گزارش‌هایی از دیگر رویدادهای داستان و نبردهای دیگر پهلوانان می‌آید.

نمودار ۸: ساختار مقارن ترجیع‌بندی دوگانه

- | | |
|--|---|
| ۱-۴-۲. آغاز رویارویی رستم و زنون، نبرد تن‌به‌تن، سرنگونی زنون و هجوم دیوان (۶۷۳-۶۸۹) | } |
| ۱-۵-۲. رویارویی و نبرد رستم و زنون (۹۱۲-۹۲۱) | |
| ۵-۲-۲. نیایش زال برای پیروزی رستم بر زنون (۹۲۹-۹۳۵) | |
| ۱-۶-۲. ادامه نبرد رستم و زنون (۹۸۷-۱۰۱۳) | |
| ۲-۶-۲. رفتن زال همراه با رخس به هامون و نیایش برای پیروزی رستم (۱۰۱۴-۱۰۲۷) | |
| ۱-۷-۲. نبرد پایانی رستم و زنون (۱۲۳۹-۱۲۵۲) | |
| ۲-۷-۲. نیایش زال برای پیروزی رستم (۱۲۵۳-۱۲۵۹) | |
| ۳-۷-۲. درماندگی رستم در نبرد با زنون (۱۲۶۰) | |
| ۶-۷-۲. رفتن زال همراه با رخس به هامون و نیایش برای پیروزی رستم (۱۲۷۷-۱۲۸۸) | |
| ۸-۷-۲*. دیدار زال و کیخسرو (۱۲۹۸-۱۳۰۱) | |
| ۹-۷-۲. نیایش کیخسرو و سپاهیان برای پیروزی رستم (۱۳۰۲-۱۳۱۰) | |
| ۱۱-۷-۲. پایان نبرد و کشته شدن زنون به دست رستم (۱۳۲۳-۱۳۲۹) | } |

پس از ترجیع دوم، دو شخصیت ناشناخته که نقاب بر چهره دارند، وارد داستان می‌شوند. این دو نقابی مهمترین نقش را در پیوند داستان اصلی یکم به داستان میان‌پیوند و داستان اصلی دوم دارند؛ در واقع این دو تن حلقه پیوند داستان‌ها در رویدادهای درون‌متنی هستند. آنها یاریگر سپاه ایران هستند و یک بار نیز رستم را از شکست در برابر زنون نجات می‌دهند. ترجیع سوم و چهارم که شامل نبرد پایانی و نیایش پایانی زال است، با ناتوانی رستم ادامه می‌یابد تا اینکه کیخسرو به کارزار آمده و با زال دیدار می‌کند. این دیدار رویدادی مرکزی برای نبردهای رستم و نیایش‌های زال است که پس از آن روال معکوس نبرد و نیایش بیان می‌شود؛ یعنی نخست گزارش نیایش کیخسرو و سپس گزارش نبرد رستم و زنون می‌آید و با نیایش کیخسرو، رستم بر زنون پیروز می‌شود.

در این بخش، شاعر با مهارتی شگفت برای گزارش رویدادها، پنج نبرد پیاپی را با پنج نیایش به‌گونه ترجیع‌بندی می‌آورد. در میانه هر ترجیع، تعدادی خرده‌رویداد آمده که نقش بندهای ترجیع را بر عهده دارند، اما از آنجا که مهم‌ترین عامل در پیروزی رستم پس از یاری خداوند خواست و اقبال شاه است و رستم باید پس از نیایش شاه به پیروزی برسد، شاعر

دیدار دو نیایشگر؛ یعنی زال و کیخسرو را رویداد مرکزی قرار می‌دهد. آنگاه با همان روال معکوس از نیایش کیخسرو سخن می‌گوید و پس از آن رستم بر زنون پیروز می‌شود؛ از این رو این بخش را می‌توان ساختار نظام‌مند ترجیع‌بندی دوگانه نامید. داستان با پیروزی رستم بر زنون به اوج می‌رسد و با خرده‌داستانی دربارهٔ نبرد کیخسرو و افراسیاب ادامه می‌یابد. این خرده‌داستان با پیروزی کیخسرو و گریختن افراسیاب، کشته شدن سپاهیان غورث، شکست غورث‌شاه و گریختن سپاه از جیحون به پایان می‌رسد. در فرجام داستان رستم و زنون ایرانیان به شادمانی می‌پردازند؛ فرامرز سرهنگ مرز توران می‌شود و شاه و رستم به ایران بازمی‌گردند.

۳) داستان‌وارهٔ میان‌پیوند

این داستان‌واره با مقدمه‌ای در توصیف شب و بزم باده‌گساری کیخسرو و طوس آغاز می‌شود که یادآور مقدمهٔ داستان بیژن و منیژه در توصیف بزم باده‌گساری کیخسرو است. افزودن خطبه‌ای از سوی شاعر در آغاز این داستان‌واره می‌توانست آن را به‌عنوان یک داستان مستقل در ساخت یک سرود حماسی کوتاه قرار دهد. داستان با توصیف بزم پهلوانان مغربی (= دو نقابی) و طلوع خورشید ادامه می‌یابد. دو نقابی برای مبارزه با پهلوانان ایرانی به میدان می‌آیند. شاعر در اینجا برای نخستین بار، دو پهلوان نقابی را **جهان‌دار** و **جهان‌بین** نامیده و خواننده را با این دو شخصیت - که پهلوانان ایرانی و نوادگان رستم هستند - آشنا می‌کند، اگرچه این راز هنوز برای سپاه ایران آشکار نشده‌است. در ادامهٔ داستان پهلوانان ایرانی همچون برزو، جهان‌بخش، فرامرز، جهان‌گیر، سام و گئو به نبرد رفته و به دست دو نقابی گرفتار می‌شوند. آنگاه رستم به میدان می‌رود، اما پهلوانان نقابی با وی مبارزه نمی‌کنند. شب‌هنگام، زال به‌طور پنهانی به چادر دو نقابی رفته، آنان را - که فرزندان سهراب (= جهان‌دار) و فرامرز (= جهان‌بین) هستند - می‌شناسد و کیخسرو را از ماجرا آگاه می‌سازد. کیخسرو و رستم به چادر جهان‌دار و جهان‌بین می‌روند و آنان به سپاه ایران می‌پیوندند. این دو پهلوان در داستان اصلی دوم نقش مهمی دارند که بدون این داستان‌واره، نقش و جایگاه آنان در داستان دوم ناشناخته می‌ماند.

۲) داستان اصلی دوم

این داستان، بدون مقدمه از شکست غورث‌شاه و فرار بازماندگان به آن سوی جیحون سخن می‌گوید. این گزارش، در واقع دنبالهٔ منطقی داستان یکم است که با شکست و گریز سپاهیان غورث به پایان می‌رسد. در این صورت، داستان‌وارهٔ میان‌پیوند، داستان کوتاهی است که نقش پیوند دو داستان اصلی را داشته‌است. این ساختار بیانگر آن است که دو داستان «رستم و زنون» و «عظیم‌شاه» در اصل یک داستان به هم پیوسته بوده که با اضافه شدن داستان‌های فرعی و رویدادهای مربوط به نوادگان رستم گسترش یافته است. حضور دو نقابی از میانهٔ داستان اصلی یکم، اگرچه عنصری بنیادی و کهن در حماسه‌های ایران باختری است، اما با دگرگونی این نقش بنیادی با عناصری تازه‌تر چون نوادگان رستم از بن‌مایهٔ کهن آن اندکی کاسته شده و با گسترش نقش آنان، داستان از اصالت بنیادین خود دور شده‌است.

با دقت در ساختار و بنیاد داستان‌های غرب ایران می‌توان دریافت که حضور شخصیت سوم در کنار دو پهلوان ایرانی و اثیری مضمونی زیرساختی است؛ مثلاً در کنار دو شخصیت اصلی رستم و اژدهای ببر بیان، شخصیت سومی به نام دیو گلیمینه‌گوش (= زرعلی) وجود دارد که در آغاز داستان و با شکست از رستم به وی می‌پیوندد تا او را در نابود کردن اژدهای ببر یاری دهد.^۱ در داستان رستم و زنون نیز در کنار دو پهلوان اصلی؛ یعنی رستم و زنون، شخصیت سومی به نام نقابی وجود دارد که در میانهٔ داستان ظاهر شده، رستم را از چنگ زنون می‌رهاند و خود به نبرد با زنون می‌پردازد. در فرجام، رستم بر زنون پیروز می‌شود و نقابی به سپاه ایران می‌پیوندد؛ بنابراین حضور شخصیت سوم در داستان مضمونی اصیل و بنیادی و نمونهٔ برجستهٔ آن در حماسه‌های باختری، نیزه‌دار رستم (= زرعلی) است که ویژگی‌های اساطیری ناب و کهنی دارد که در حماسه‌های ایران خاوری به‌ویژه شاهنامه تنها نامی (= الوای) از آن باقی مانده تا نقش رستم برجسته‌تر شود^۲، اما گسترش این مضمون با نام‌های جدید و جایگزینی فرزندان و نوادگان رستم به جای شخصیت سوم، رویکرد تازه‌تری است که تقریباً از بافت اصلی داستان جدا شده و به صورت یک داستان میان‌پیوند درآمده‌است.

^۱ نک: داستان کودکی رستم و ... رستم و پور بیان.

^۲ نک: اکبری مفاخر، ۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۴۲.

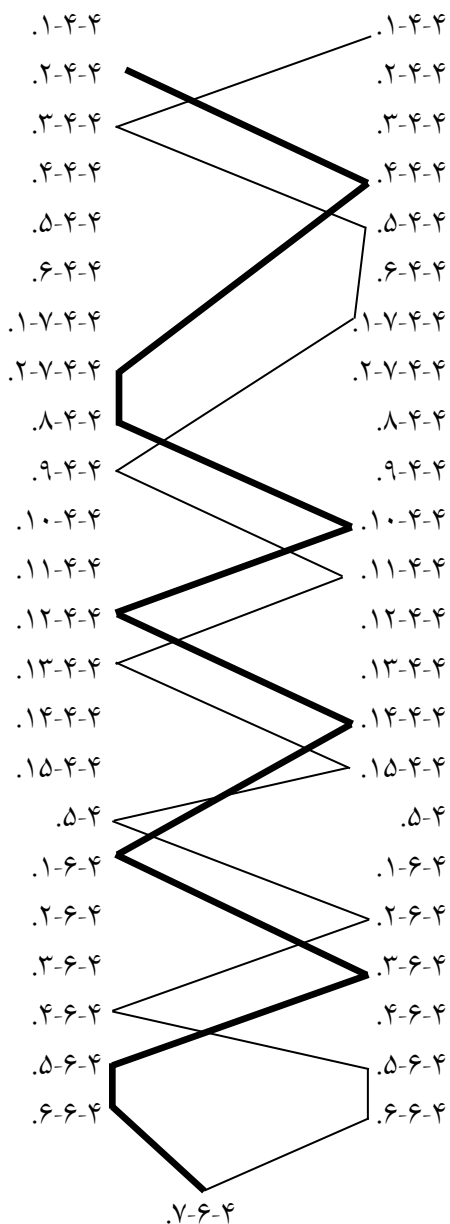
پس از شکست غورث، شخصیت جدیدی به نام عظیم‌شاه به یاری افراسیاب می‌آید تا از پیشروی ایرانیان در خاک توران جلوگیری کند. عظیم‌شاه، شخصیت آغازین و پایانی این داستان است و در آغاز داستان چکیده‌ای از رویدادهای داستان رستم و زنون و توصیفی از کیخسرو و رستم ارائه می‌شود. عظیم‌شاه، پهلوانی به نام بهتون را به نبرد با ایرانیان می‌فرستد. بهتون ده تن از پهلوانان ایرانی را اسیر می‌کند تا اینکه فرامرز در نبردی شبانه بر بهتون پیروز می‌شود و پهلوانانی چون مقرون و قرطوس را گرفتار می‌سازد. برزو به فرمان کیخسرو به یاری فرامرز می‌آید و نبردهایی بین پهلوانان دو سپاه درمی‌گیرد. نبردهای ترک با برزو و فرامرز با بهتون از ساختاری متناوب برخوردار است که آغاز، میانه و پایان نبرد هر دو پهلوان به‌ترتیب و با فاصله تناوبی، پشت‌سرهم تکرار می‌شود. پس از گرفتاری برزو به دست ترک، همان‌دار جایگزین برزو شده و ساختار تناوبی با حضور همان‌دار در کنار فرامرز و پیروزی همان‌دار بر ترک ادامه می‌یابد. آنگاه نبرد همان‌دار و کاهول و نیز فرامرز و بازون آغاز می‌شود. همان‌دار پس از پیروزی بر کاهول به جنگ زوباد^۱ می‌رود، اما فرامرز به دست بازون گرفتار می‌شود. سپس در یک خط تناوبی همان‌دار جایگزین فرامرز شده و بر بازون پیروز می‌شود. همچنین در خط تناوبی دیگر همان‌دار زوباد را به نزد کیخسرو می‌فرستد و این چرخه با پیروزی همان‌دار در هر دو خط تناوبی به پایان می‌رسد.

¹ Zü-bâd

نودار ۹: ساختار تناوبی نبردهای پهلوانان ایرانی و تورانی

- ۱-۴-۴. آمدن ترکی به فرمان عظیم‌شاه برای یاری بهتون (۱۹۸۵-۱۹۹۹)
- ۲-۴-۴. نبرد ترک با برزو (۲۰۰۰-۲۰۱۲) ← ۴-۴-۴؛ ۷-۴-۴
- ۳-۴-۴. نبرد بهتون با فرامرز (۲۰۱۳-۲۰۳۰) ← ۴-۴-۴؛ ۸-۴-۴
- ۴-۴-۴. ادامه نبرد ترک با برزو (۲۰۳۱) ← ۲-۴-۴
- ۵-۴-۴. ادامه نبرد بهتون با فرامرز (۲۰۳۲) ← ۳-۴-۴
- ۶-۴-۴. جنگ انبوه دو سپاه با یکدیگر (۲۰۳۳-۲۰۳۴)
- ۱-۷-۴-۴. ادامه نبرد فرامرز با بهتون (۲۰۳۵ یکم)
- ۲-۷-۴-۴. ادامه نبرد برزو با ترک (۲۰۳۵ دوم)
- ۸-۴-۴. گرفتار شدن برزو در کمند جادوگران (۲۰۳۶-۲۰۴۵) ← ۲-۴-۴؛ ۴-۴-۴
- ۹-۴-۴. ادامه نبرد فرامرز با بهتون و اسیر شدن بهتون (۲۰۴۶-۲۰۵۷) ← ۵-۴-۴؛ ۶-۴-۴
- ۱۰-۴-۴. آمدن ترک به یاری سپاه بهتون و نبرد او با فرامرز (۲۰۵۸-۲۰۶۰)
- ۱۱-۴-۴. آمدن جهان‌دار به یاری فرامرز (۲۰۶۱-۲۰۶۶)
- ۱۲-۴-۴. ادامه نبرد فرامرز با ترک (۲۰۶۷-۲۰۶۹)
- ۱۳-۴-۴. واگذاری نبرد با ترک از سوی فرامرز به جهان‌دار (۲۰۷۰-۲۰۷۲)
- ۱۴-۴-۴. آگاهی فرامرز از گرفتار شدن برزو و نیایش فرامرز (۲۰۷۳-۲۰۹۲)
- ۱۵-۴-۴. ادامه نبرد جهان‌دار با ترک و پیروزی جهان‌دار (۲۰۹۳-۲۰۹۹)
- ۵-۴. نبرد کاهول با جهان‌دار و پیروزی جهان‌دار (۲۱۰۰-۲۱۳۰)
- ۱-۶-۴. نبرد بازون با فرامرز (۲۱۳۲-۲۱۴۱)
- ۲-۶-۴. نبرد جهان‌دار با زوباد و گرفتار شدن زوباد (۲۱۴۲-۲۱۶۶)
- ۳-۶-۴. گرفتار کردن فرامرز از سوی بازون و بردن وی به چادر شاه (۲۱۶۷-۲۱۷۰)
- ۴-۶-۴. آگاهی عظیم‌شاه از گرفتاری زوباد (۲۱۹۸-۲۲۰۲)
- ۵-۶-۴. هجوم عظیم‌شاه و سپاهیان به ایرانیان (۲۲۰۳-۲۲۱۹)
- ۶-۶-۴. نبرد بازون با جهان‌دار و پیروزی جهان‌دار (۲۲۲۰-۲۲۳۸)
- ۷-۶-۴. آمدن طوس به یاری جهان‌دار و شکست سپاه دشمن (۲۲۳۹-۲۲۵۱)

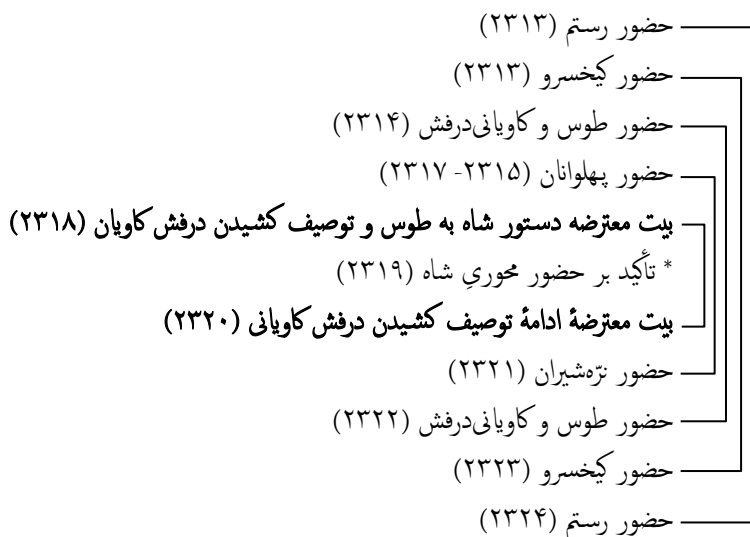
نمودار ۱۰: ساختار تناوبی ماریچی نبردهای پهلوانان ایرانی و تورانی



با رسیدن پیک جهمان‌دار به ایران، کیخسرو و رستم - که تاکنون در داستان حضور نداشتند - وارد کارزار می‌شوند. سپاهیان ایرانی اردو می‌زنند و عظیم‌شاه، نشان سرافراشته‌ها و درفش‌های ایرانیان را از

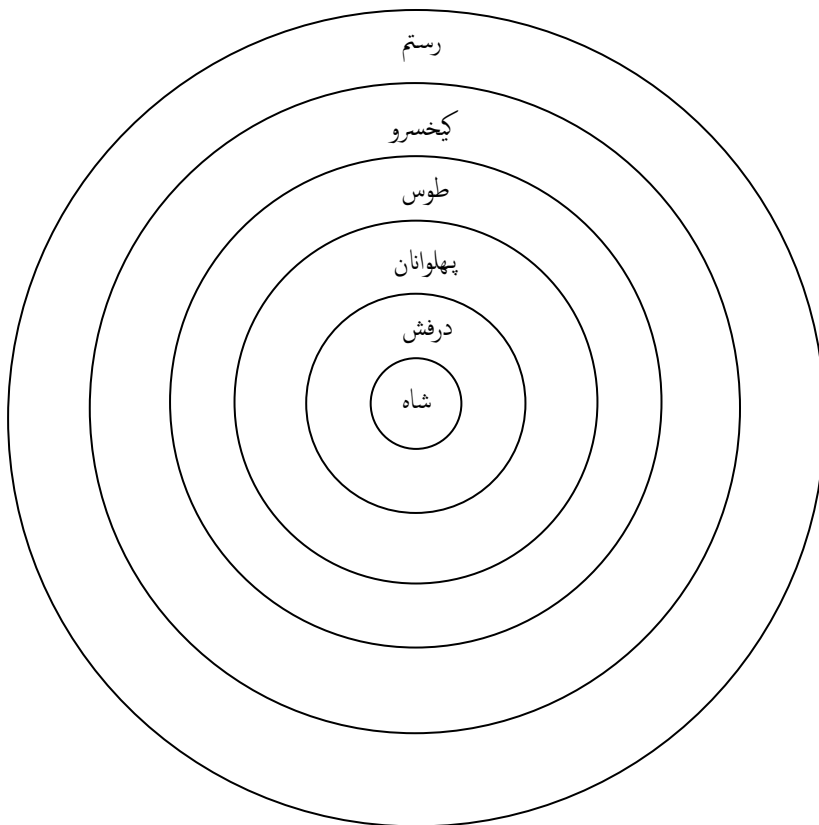
پیران می‌پرسد. پس از معرّفی سرایرده‌ها و خیمه‌های پهلوانان، صحنه داستان به گفتگوی رستم و کیخسرو بازمی‌گردد (ب ۲۳۱۳-۲۳۲۵). در سخنان رستم ساختاری تناوبی-تقارنی با رویکرد نمایشی و صحنه‌هایی توصیفی خارج از سخنان رستم دیده می‌شود که دریافت متن را اندکی پیچیده ساخته، اما زیبایی خاصی به بیان شاعر بخشیده است. بیت یکم و سوم از این سه بیت (۲۳۱۸-۲۳۲۰)، جملات معترضه‌ای است در میان سخنان رستم که از رویکرد نمایشی ویژه و جالبی برخوردار است که اگر به زیرساخت نمایشی متن دقت نشود، دریافت آن مشکل و نهاد در ابیات پس از آن مبهم به نظر می‌رسد. در بیت ۲۳۱۳ رستم پس از سجده بر کیخسرو از وی می‌خواهد همراه با درفش کاویانی با طوس و دیگر پهلوانان روان شود. از آنجا که همواره پیشنهادهای رستم برای کیخسرو بسیار راهبردی بوده، کیخسرو در میانه سخنان رستم با ورود به صحنه نمایش به طوس اشاره می‌کند که درفش کاویانی را برداشته و پیش برند (ب ۲۳۱۸ یکم). آنگاه شاعر در مصراع دوم به توصیف چگونگی بردن درفش و ویژگی‌های صحنه پیرامون آن می‌پردازد. پس از این بیت، شاعر بار دیگر ادامه سخن رستم را پی می‌گیرد که وظیفه نگهبانی از شاه را به سپاه گودرزی می‌سپارد. سپس در گریزی به بیت قبل (ب ۲۳۱۸) چگونگی کشیدن درفش کاویانی را توصیف کرده و باز هم مطلب را با سخنان و پیشنهادهای رستم ادامه می‌دهد. شاعر در این بخش با رویکردی نمایشی و شگردی تناوبی، دو بیت معترضه در میانه سخنان رستم می‌آورد که در رویکرد نقل داستان کم‌ظایر است.

نمودار ۱۱: ساختار تناوبی - تقارنی با رویکرد نمایشی در سخنان رستم



در این ساختار تناوبی-تقارنی با رویکرد نمایشی یک نکته محوری وجود دارد و آن حضور شاه در میانه سخنان رستم است (ب ۲۳۱۹). دو بیت معترضه پیرامون این بیت مرکزی قرار گرفته که مربوط به توصیف درفش کاویانی است. در دو سوی این ابیات حضور پهلوانان دیده می‌شود. پیش و پس از پهلوانان، طوس و رستم حضور دارند و پیش و پس از آنان، کیخسرو حضور دارد. به عبارتی، در این چینش، ساختاری نموداری و دایره‌وار به وجود آمده‌است که در قلب و پیرامون آن شاه قرار دارد و پس از آن سلسله مراتب پهلوانان. این ساختار پیرامونی از خاندان‌های پهلوانی شروع شده، به طوس می‌رسد و در آغاز و پایان به رستم می‌انجامد؛ در واقع این رستم است که از هرسو پیرامون این دایره را دربر گرفته است.

نمودار ۱۲: ساختار دایره‌ای در سخنان رستم



پس از سخنان رستم، پهلوانان ایرانی به میدان نبرد می‌روند و با حضور رستم در میدان، زمینه به وجود آمدن یک سرود حماسی کوتاه فراهم می‌شود. این سرود کوتاه حماسی ۶۳ بیتی که می‌توان آن را «رستم و تقارون دیو» نامید، یادآور سرودهای حماسی شاهنامه چون رستم و اشکبوس، و رستم و کاموس است. این داستان با معرفی رستم ازدهادرفش آغاز می‌شود. عظیم‌شاه، تقارون دیو را به نبرد با رستم می‌فرستد. این نبرد که یادآور نبرد رستم با دیو سپید است، به سختی پیش می‌رود، اما سرانجام رستم با یاری خداوند و نیایش کیخسرو و زال بر تقارون دیو پیروز می‌شود.

پس از این سرود حماسی کوتاه، گزارش نبردهای تن‌به‌تن پهلوانان آمده که یکی از زیباترین و نادرترین ساختارها در ادب حماسی ایران است. شاعر در آغاز این نبردهای نُه‌گانه به شرح کوتاهی از رجزخوانی هر پهلوان و گزینش رقیب بسنده می‌کند. شرح این رجزخوانی‌ها بسیار کوتاه و محکم است، به‌گونه‌ای که هر گزینه در یک مصراع، یک بیت یا چند بیت گزارش می‌شود تا اینکه شاعر به نبردهای رستم و کیخسرو می‌رسد. در واقع نبرد کیخسرو با سپاه دشمن، نبرد بنیادین و مرکزی است که گزارش نبرد رستم و چهارم (= پهلوان تورانی) با ساختار متقارن حلقه‌ای آن را دربرگرفته‌است. اگرچه نبرد کیخسرو، ساختار مرکزی نبردها را به وجود آورده، اما در کنار نبرد رستم و چهارم ساختاری تناوبی نیز دارد. پس از پیروزی رستم بر چهارم – که پیش از آن گزینه مرکزی آخرین نبرد و پس از آن نخستین نبرد قرار دارد – نبردهای دیگر پهلوانان گزارش می‌شود، اما دقتی را که در نبردهای متقارن پهلوان‌مرکز در داستان اصلی یکم وجود دارد، در اینجا نمی‌توان دید. ساختار پنج نبرد، تقریباً به همان ترتیبی است که پیش از مرکز تقارن بوده، اما نبرد پایانی پس از مرکز، ادامه همان نبرد دوم پیش از مرکز است. با توجه به این رویکرد تقارنی در نبردهای چهارم با پیلتن، و همان‌بین با عاد، ساختار این نُه نبرد نیز تقارن هم‌مرکز داشته که کم‌به‌سوی ساختار ترتیبی پیش رفته‌است، اما با اندکی جابه‌جایی و بازسازی می‌توان به‌صورت نخستین ساختار هم‌مرکز تقارنی در این بخش دست یافت.

نودار ۱۳: ساختار تقارنی شاه‌محور

۱۳-۱: ساختار رلوی

- ۰-۹-۴. نبردهای تن به تن پهلوانان
 ۱-۹-۴. گشتگوی عظیم‌شاه و پیران
 ۲-۹-۴. نبرد بهرمان با جهان‌دار
 ۳-۹-۴. نبرد عادی با جهان‌بین
 ۴-۹-۴. نبرد پیل‌گوش با طوس
 ۵-۹-۴. نبرد گزدهم با زال
 ۶-۹-۴. نبرد جواد زنگی با گیو
 ۷-۹-۴. نبرد اشقاد دیو با میلاد
 ۸-۹-۴. نبرد اورنگ با سام
 ۹-۹-۴. توصیف سحر و سپاه ایران
 ۱۰-۹-۴. نبرد چهارم با پیلتن
 ۱۱-۹-۴. گزارش کلی نبردها
 ۱۲-۹-۴. نبرد کیخسرو با سپاه عظیم‌شاه
 ۱۳-۹-۴. توصیف میدان کارزار
 ۱۴-۹-۴. ادامه نبرد چهارم با پیلتن
 ۱۵-۹-۴. ادامه نبرد کیخسرو
 ۱۶-۹-۴. نبرد جهان‌دار و زرعلی با بهرمان
 ۱۷-۹-۴. ادامه نبرد پیل‌گوش با طوس
 ۱۸-۹-۴. ادامه نبرد گزدهم با زال
 ۱۹-۹-۴. ادامه نبرد جواد زنگی با گیو
 ۲۰-۹-۴. نبرد رستم با سپاه عظیم‌شاه
 ۲۱-۹-۴. رفتن کیخسرو به کارزار
 ۲۲-۹-۴. ادامه نبرد جهان‌بین با عاد

۱۳-۲: ساختار بازسازی‌شده

- ۰-۹-۴. نبردهای تن به تن پهلوانان
 ۱-۹-۴. گشتگوی عظیم‌شاه و پیران
 ۲-۹-۴. نبرد بهرمان با جهان‌دار
 ۳-۹-۴. نبرد عادی با جهان‌بین
 ۴-۹-۴. نبرد پیل‌گوش با طوس
 ۵-۹-۴. نبرد گزدهم با زال
 ۶-۹-۴. نبرد جواد زنگی با گیو
 ۷-۹-۴. نبرد اشقاد دیو با میلاد
 ۸-۹-۴. نبرد اورنگ با سام
 ۹-۹-۴. توصیف سحر و سپاه ایران
 ۱۰-۹-۴. نبرد چهارم با پیلتن
 ۱۱-۹-۴. گزارش کلی نبردها
 ۱۲-۹-۴. نبرد کیخسرو با سپاه عظیم‌شاه
 ۱۳-۹-۴*. توصیف میدان کارزار
 ۱۵-۹-۴. ادامه نبرد کیخسرو
 ۱۴-۹-۴. ادامه نبرد چهارم با پیلتن
 ۱۹-۹-۴. ادامه نبرد جواد زنگی با گیو
 ۱۸-۹-۴. ادامه نبرد گزدهم با زال
 ۱۷-۹-۴. ادامه نبرد پیل‌گوش با طوس
 ۲۲-۹-۴. ادامه نبرد جهان‌بین با عاد
 ۱۶-۹-۴. نبرد جهان‌دار و زرعلی با بهرمان
 ۲۰-۹-۴. نبرد رستم با سپاه عظیم‌شاه
 ۲۱-۹-۴. رفتن کیخسرو به کارزار

کهن‌ترین و نادرترین نوع این کاربرد را در ساختار ترکیب‌بندی قرینه‌ای گاهانی می‌توان یافت. در هر سرود گاهانی الگویی از هم‌مرکزگرای بنیادی دیده می‌شود که در آن با توجه به بندهای میانی، تمام بندها به صورت متقارن به هم پیوسته‌اند. روند سرودن از طریق برگشت به عقب،

بسط درون‌متنی سرودن تقارنی است که شاعر با رسیدن به مرکز شعر به عقب بازمی‌گردد و به سرودن و تغییر و تبدیل سروده خود در نیمه اول ادامه می‌دهد؛ بدین ترتیب هر سرود گاهانی دو مسیر دارد: مسیر عمودی گسترش شعر از آغاز تا پایان و مسیر تشکیل تقارنی آن. بارزترین نمونه از این نوع ساختار هم‌مرکز تقارنی در ساختار یسن ۳۲ دیده می‌شود (شوارتز، ۱۳۹۰: ۱۰-۱۶)^۱:

نمودار ۱۴: ساختار هم‌مرکز تقارنی یسن ۳۲



^۱ برای ترجمه این بند، نک: پورداود، ۱۳۷۸: ۱۶۰-۱۶۷، ۴۷۲-۴۸۱؛

Duchesne-Guillmin, 1952: 118-125; Humbach/Ichaporla, 1994: 40-43.

^۲ برای بررسی واژگان و ساختار و ... این بند، نک: پورداود، ۱۳۸۱: ۱۴۳-۱۸۸؛ شوارتز، ۱۳۹۰: ۱۳-۵۹؛

Humbach, 1959: II/ ss. 31-38; Insler, 1975: 195-210.

در گاهان، به دلیل رویکرد قداستی و تلاش موبدان برای جلوگیری از به هم ریختن ساختار هم‌مرکز تقارنی سرودها و نیز عدم دخالت موبدان و راویان، این ساختار تا امروز دست‌نخورده باقی مانده‌است، اما این قداست و دقت در روایت‌های حماسی همانند گاهان نیست؛ بنابراین راویان به دلایل بسیار، از جمله: ضعف حافظه، سلیقه شخصی، عدم درک مخاطب، دخالت و کاهش و افزایش در ساختار روایت، این تقارن هم‌مرکز را اندکی ساده کرده و به سوی ساختار ترتیبی هم‌مرکز پیش برده‌اند که نبردهای نُه‌گانه، حاصل ترکیب این دو ساختار است. بدیهی است اگر این روال ادامه می‌یافت، نبردهای نُه‌گانه از ساختار دوبخشی خارج و به ساختار یک‌بخشی دگرگون می‌شد؛ یعنی هفت نبرد روی می‌داد که در آن پهلوانان ایرانی پیروز می‌شدند. سپس در نبرد هشتم، رستم بر چهارم و در نبرد نهم و پایانی، کیخسرو بر سپاه عظیم‌شاه پیروز می‌شد.

این ساختار در نبرد یازده رخ روی داده‌است. داستان یازده رخ در ساختار کنونی شامل یازده نبرد تن‌به‌تن میان پهلوانان ایران و توران است که هر نبرد در یک بخش گزارش می‌شود تا نبرد پایانی که میان گودرز و پیران روی می‌دهد. با آمدن کیخسرو ایرانیان پیروز شده و لشکر ترکان از کیخسرو زغار می‌خواهند؛ بنابراین می‌توان چنین پنداشت که داستان یازده رخ (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۱۵/۴-۱۳۴) نیز در صورت نخستین خود، دارای ساختار تقارنی هم‌مرکز با مرکزیت آمدن کیخسرو بوده که بخش نخست نبردها پیش از آمدن کیخسرو و بخش دوم هر نبرد پس از کیخسرو با ساختار تقارنی گزارش شده‌است. از آنجا که روایت این نوع ساختار تقارنی هم‌مرکز با مشکلاتی همراه بوده، به ساختار دوبخشی ترتیبی دگرگون شده‌است و درنهایت، نبردها برای منظم شدن گزارش از ساختار دوبخشی خارج شده و با گزارش هر نبرد در یک بخش، ساختار یک‌بخشی ترتیبی پذیرفته‌است. داستان یازده رخ با ساختار کنونی، حاصل این تغییرات در ساختار تقارنی و ترتیبی است که الگوهای پیشین آن در حماسه رستم و زنون بر جای مانده‌است.

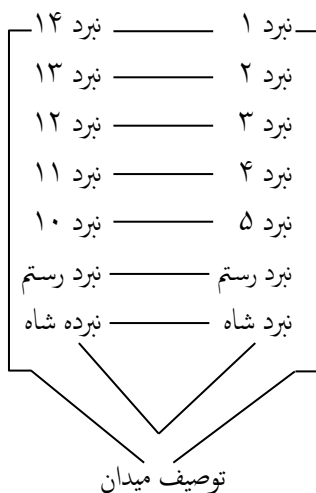
۵) پایانه داستان

در فرجام، داستان عظیم‌شاه با خرده‌رویدادهایی چون نبرد رستم و قاموس، دیدار رستم و کیخسرو، نبرد رستم و عظیم‌شاه، و پیروزی کیخسرو ادامه می‌یابد تا اینکه داستان با پادشاهی دوباره طوس در توران، گریختن افراسیاب و بازگشت کیخسرو به ایران به پایان می‌رسد.

نمودارهای خلاصه تطبیقی ساختار گاهانی و داستان رستم و زنون

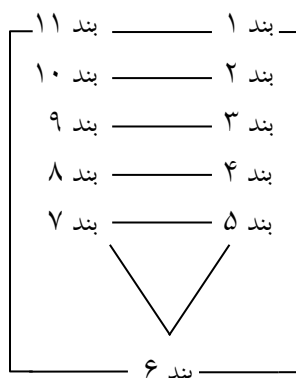
نمودار ۱۶: ساختار متقارن شاه‌محور

(← نمودار ۱۴)



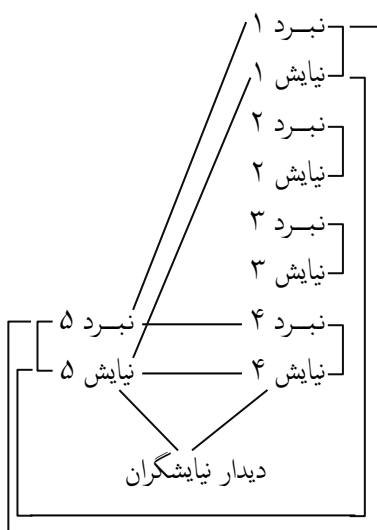
نمودار ۱۵: ساختار ترکیب‌بندی قرینه‌ای گاهانی

(پس ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۵۰)



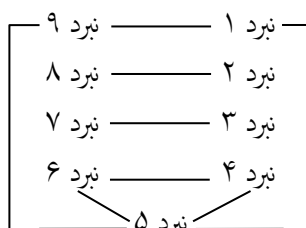
نمودار ۱۸: ساختار متقارن ترجیعی دوگانه

(← نمودار ۸)



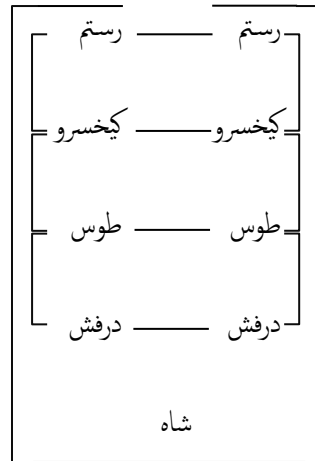
نمودار ۱۷: ساختار متقارن پهلوان‌محور

(← نمودار ۷)



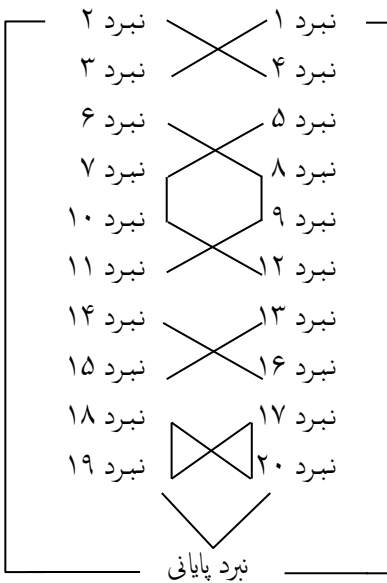
نمودار ۱۹: ساختار تناوبی - تقارنی شاه‌محور

(← نمودار ۱۱)



نمودار ۲۰: ساختار متناوب نبردهای پهلوانان

(← نمودارهای ۹، ۱۰)



نتیجه‌گیری

داستان رستم و زنون که ظاهراً نمونه‌ای در ادبیات ایرانی ندارد، از مهم‌ترین حماسه‌های ایرانی به زبان گورانی در ایران باختری است. با توجه به کاربرد نام‌های یونانی به‌ویژه درباره شخصیت‌های اصلی چون **زنون** و **غورث** می‌توان گفت که این حماسه، بازتابی از نبردهای ایرانیان و یونانیان در زمان داریوش سوم و اسکندر مقدونی است که در دوران اشکانی با جایگزینی رستم به جای سردار هخامنشی در ساختار رستم و زنون، در غرب کشور گسترش یافته‌است. این داستان از ساختاری پیچیده و دقیق برخوردار است که در نگاه نخست می‌توان آن را به دو داستان مستقل «رستم و زنون» و «عظیم‌شاه» و در ساختار کلی به پنج بخش زیر تقسیم کرد:

(۱) داستان آغازین

(۲) داستان اصلی یکم (رستم و زنون)

۳) داستان‌وارهٔ میان‌پیوند

۴) داستان اصلی دوم (عظیم‌شاه)

۵) پایانهٔ داستان

این بخش‌ها، با مهارتی خاص در هم تنیده شده‌است، به گونه‌ای که داستان در یک روایت چرخه‌ای با پادشاهی طوس آغاز و با پادشاهی دوبارهٔ وی پایان می‌یابد و یک داستان‌وارهٔ میان‌پیوند، دو داستان اصلی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. داستان آغازین، در واقع مقدمه‌ای برای ورود رستم و شکل‌گیری مهم‌ترین بخش داستان یعنی ماجرای رستم و زنون است و دیگر رویدادها پیوستی بر این داستان اصلی است. کلیت داستان از دو ساختار تقارنی بیرونی و درونی برخوردار است که بین فرم و محتوا هماهنگی خاصی ایجاد کرده‌است. ساختار کلی و چرخه‌وار این داستان یادآور داستان کاموس کشانی و نیز ترکیبی از داستان عرض کردن کیخسرو و داستان فرود در شاهنامه است. اگرچه این داستان‌ها تکه‌هایی به هم پیوسته از نبردهای ایران و توران برای کین‌خواهی سیاوش و فاقد بافتی یکپارچه هستند، اما به نظر می‌رسد تقلیدهای ناموقتی از الگوی ساختار داستان رستم و زنون باشند.

در متن داستان، خرده‌ساختارهای ویژه‌ای دیده می‌شود که ساختار تقارنی نبردهای پهلوان‌محور، ساختار متقارن ترجیع‌بندی دوگانه، ساختار تناوبی نبردهای پهلوانان، ساختار تناوبی مارپیچی نبردهای پهلوانان، ساختار دایره‌ای شاه‌محور و ساختار تقارنی شاه‌محور از جملهٔ این ساختارها است. کاربرد چنین ساختار تناوبی در ادب حماسی بی‌نظیر است و کهن‌ترین و نادرترین نمونه از آن در ساختار ترکیب‌بندی قرینه‌ای گاهانی دیده می‌شود.

کتابنامه

اکبری مفاخر، آرش (۱۳۹۵)، «رستم و زنون»، *دانشنامهٔ فرهنگ مردم ایران* (ج ۴)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

_____ (۱۳۹۷)، «رستم و نیزه‌دارانش»، *دصحیم هفتاد*، به کوشش محمود فتوحی رودمعجنی و دیگران، تهران: سخن.

_____ (۱۳۹۷)، *مقدمه و یادداشت‌ها بر رزم‌نامهٔ کنیزک* (حماسه‌ای به زبان گورانی و روایتی از یادگار زیریران)، ویراست دوم، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

_____ (۱۳۹۸)، «گاو دم: از زبان گورانی تا زبان چینی»، پژوهش‌های زبانی-ادبی

قفقاز و کاسپین، س ۱، شم ۲: ۲۷-۶۲.

پورداود، ابراهیم (۱۳۷۸)، گاتخا، تهران: اساطیر.

_____ (۱۳۸۱)، یادداشت‌های گاتخا، تهران: اساطیر.

تصحیح رستم و زنون (۱۳۸۴)، منسوب به الماس‌خان کندوله‌ای، به کوشش مجید یزدان‌پناه، کرمانشاه: چشمه هنر و دانش.

جنگنامه رستم و زنون (به زبان گورانی)، به کوشش آرش اکبری مفاخر، زیر چاپ.

«جنگ عظیم شاه» ← همزه‌ای (ه. ک)، بخش ۲: ۱/ ۷۵-۱۳۴.

چمن‌آرا، بهروز (۱۳۹۰)، «درآمدی بر ادب حماسی و پهلوانی کردی با تکیه بر شاهنامه کردی»، جستارهای ادبی، شم ۱۷۲: ۱۱۹-۱۴۹.

خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۹)، یادداشت‌های شاهنامه، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

داستان عامیانه [= رستم‌نامه]، دستنویس شم ۱۵۷۹۴، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

داستان کودکی رستم و کشتن ببر بیان (به زبان گورانی)، دستنویس شم ۹۷۷۳، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

رزمنامه کنیرک (حماسه‌ای به زبان گورانی و روایتی از یادگار زیریان) (۱۳۹۵)، به کوشش آرش اکبری مفاخر، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

رستم و بور بیان (به زبان گورانی)، رونوشت اسدالله صفری، شم ثبت ۲۹۱۹۵، کتابخانه دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۸۰ ش.

رستم و زنون (به زبان گورانی) ← هفت‌لشکر گورانی الفت: ک ۱۲۲ ب - ک ۲۰۷ الف.

رستم و زنون (به زبان گورانی)، رونوشت اسدالله صفری، شم ثبت ۲۹۱۹۵، کتابخانه دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۸۰ ش.

«رستم و زنون» ← همزه‌ای (ه. ک)، بخش ۲: ۱۶۲/۱-۲۱۱.

رستم‌نامه (۱۳۱۴)، چاپ سنگی مطبوعه علمی.

رستم‌نامه (بی‌تا)، چاپ مطبوعاتی حسینی.

رستم‌نامه، دستنویس شم ۴۰۳۶، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۲۴۵ ق.

رستم‌نامه، دستنویس شم ۶۴۲۴، کتابخانه و موزه ملی ملک، ۱۲۴۵ ق.

رستم‌نامه، دستنویس شم ۹۱۶، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۲۱ ق.

سلطانی، محمدعلی (۱۳۶۴-۱۳۸۶)، حدیقه سلطانی، کرمانشاه: سها.

شاهنامه به نثر نقالی، دستنویس شم ۱۴۵۷۶، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
شاهنامه نقالان (۱۳۹۸)، روایت عباس زریری اصفهانی، به کوشش جلیل دوستخواه، تهران: ققنوس.

شریفی، احمد (۱۳۷۴)، «شاهنامه کردی اثری مستقل یا ترجمه‌ای از شاهنامه فردوسی»، فرهنگ، شم ۱۵: ۲۳۹-۲۶۰.

_____ (۱۳۷۴)، «شاهنامه کردی»، نیم‌م/ازین پس که من زنده‌ام، مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی، به کوشش غلامرضا ستوده، تهران: دانشگاه تهران.
شوارتز، مارتین (۱۳۹۰)، بررسی چند تعبیر عرفانی در گاهان زردشت، ترجمه فاطمه جدلی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

طومار شاهنامه فردوسی (۱۳۸۱)، روایت مصطفی سعیدی و احمد هاشمی، تهران: خوش‌نگار.
طومار کهن شاهنامه (۱۳۷۴)، به کوشش جمشید صداقت‌نژاد، تهران: دنیای کتاب.
طومار نقالی شاهنامه (۱۳۹۱)، به کوشش سجاد آیدنلو، تهران: به‌نگار.
فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه (دفتر ششم و هفتم)، به کوشش جلال خالقی مطلق و همکاران، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
لطفی‌نیا، حیدر (۱۳۸۸)، حایسه‌های قوم‌کرد، تهران: سمیرا.
مثنوی شاهنامه با لهجه‌ای ناشناس، دستنویس شم ۱۶۵۵۹، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۲۸۸ق.

هفت‌لشکر (به زبان گورانی)، روایت منسوب به الفت، دستنویس شم ۱۱۹۳۷، کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، ۱۳۴۹ق.

هفت‌لشکر (به زبان فارسی)، دستنویس شم ۲۹۸۳، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۲۹۲ق.
هفت‌لشکر (طومار جامع نقالان) (۱۳۷۷)، به کوشش مهران افشاری و مهدی مدایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

همزه‌ای، محمد رضا (فریبرز) (۱۳۹۳)، رزم‌نامه: اسطوره‌های کهن زاگرس، کرمانشاه: دانشگاه رازی.

Fuad, K. (1970), *Kurdische Handschriften*, Wiesbaden.

Humbach, H. (1959), *Die Gathas des Zarathustra*, Heidelberg.

Humbach, H./Ichaporia, P. (1994), *The Heritage of Zarathushtra: A New Translation of His Gatha*, Heidelberg.

Duchesne-Guillmin, J. (1952), *The Hymns of Zarathustra* (trans. M. Henning), London.

Insler, S. (1975), *The Gāthās of Zarathustra*, Leiden.

The Structure of the Story of *Rustam and Zaniün*

(From the *Gathic* Poems until the Gurani *Rivayat*)

Arash Akbari-Mafakher

Center for the Great Islamic Encyclopaedia

Abstract

The story of *Rustam and Zaniün* is a masterpiece of the epic literature of Iran in Gurani. It has no counterpart in Avestan, Middle Persian, Zoroastrian Persian, the national epics, and oral documented literature. The story can be divided into two general parts, i.e. "the story of *Rustam and Zaniün*" and "the story of *Azüm-Shāh*". While there are several manuscripts and *rivayats* available at our disposal, the nonacquaintance of scribes and story-tellers of the connected structure of the story has caused the division of the story into two independent sections. The most complete version of this story appears in the manuscript of the *Haft-Lashkar* in Gurani with 2722 couplets. This story has a coherent structure. The outer structure of the story begins with the cycle of the kingship of *Tūs* in the land of *Tūrān* and ends with his second kingship in the land of *Tūrān*. The inner structure of the story has a bilateral symmetry due to the coming and return of *Afrāsiāb*, *Rustam*, and *Kay-Khosrow*. The core of the story begins after an introduction and an introductory story. Then, the two main stories are given. They are connected together by a connecting story. Finally, the story ends with a concluding story. In general, the outer and inner structure of the story has a symmetrical approach. The oldest and rarest example of such usage is the symmetrical structure of the *Gathas*.

Keywords: *Structure, Rustam and Zaniün, Gathas, Gurani*